

نقش بسیج در تحکیم هویت ملی جوانان^۱

نویسندگان: هادی عبدالملکی^۲، علی قنبری^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۵/۱۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۹۳

چکیده

هویت به معنی کیستی و چیستی فرد، مفهومی پیچیده و سیال است که در طول زمان، دستخوش تغییر و تحول می‌شود و وجه تمایز یک فرد، گروه یا جامعه‌ای نسبت به سایر افراد، گروه‌ها و جوامع می‌باشد؛ بر همین قاعده بسیاری از جوامع، شهروندان خود را در دستیابی به هویتی منسجم یاری می‌نمایند. این مقاله با هدف «تبیین نقش بسیج در تحکیم هویت ملی» با رویکرد کیفی و روش دلفی و مصاحبه با صاحب‌نظران فرهنگی و اجتماعی، دانشگاهی و کارشناسان موضوعی در بسیج انجام شده و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه دلفی استفاده گردیده است.

مقایسه ابعاد هویت ملی نشان می‌دهد که «بُعد اسلامی (دین اسلام، مذهب تشیع و ارزش‌های اسلامی) با میانگین رتبه ۳/۵، بُعد ایرانی (فرهنگی، سرزمین و تمدن ایران باستان و قدیم) با میانگین رتبه ۲/۷، بُعد قومی (اقوام، قبایل، طوایف و گروه‌های ایرانی) با میانگین رتبه ۲/۲ و بُعد جدید (ارزش‌ها و نمادهای فرهنگی سایر ملل) با میانگین رتبه ۵/۵» به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین ابعاد هویت ملی (اسلامی - ایرانی) را تشکیل می‌دهد. در همه ویژگی‌های اعلام شده برای هویت ملی (اسلامی - ایرانی) میزان احساس تعلق و عاطفه نسبت به هویت ملی بیش از میزان تعهد و آمادگی دفاع (رفتار) می‌باشد و همچنین میزان تعهد و رفتار، بیش از آگاهی و شناخت نسبت به عناصر هویت ملی است. برخی از مهم‌ترین اولویت‌های نقش‌آفرینی بسیج در تقویت و تحکیم هویت ملی در بین جوانان عبارتند از:

۱. حفظ غلبه بُعد اسلامی و اهتمام به تحکیم عناصر و ویژگی‌های بُعد ایرانی هویت ملی
۲. تأکید بر تقویت و تحکیم بُعد شناختی و آگاهی هویت ملی در نسبت با ابعاد عاطفی - احساسی و رفتاری
۳. اقدام مؤثر در تحکیم هویت ملی با تأکید بر انسجام ملی، انسجام دینی، انسجام اقوام، شادی و نشاط در بین جوانان

واژگان کلیدی:

هویت، هویت ملی، هویت اسلامی، هویت انقلابی، هویت ایرانی، بسیج، جوانان

۱. این مقاله برگرفته از پروژه تحقیقاتی با عنوان «بررسی نقش بسیج در تحکیم هویت اسلامی - ایرانی» است که با حمایت و اعتبارات پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج توسط آقای هادی عبدالملکی انجام شده است. نگارنده در سال ۱۳۹۲ انجام شده است.

۲. دانشجوی دکتری رشته آینده‌پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)، ha_malaki@yahoo.com

۳. دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی



هویت‌یابی، فرایندی اجتماعی است؛ بر همین اساس نگهداشت و تحکیم مبانی و مؤلفه‌های هویت‌یابی نیز تابع فهم و ادراک اجتماعی است که یک جامعه به شیوه‌های مختلف می‌تواند آن را سامان دهد. علاوه بر این، داشتن هویت مستقل و ممتاز یک رکن اساسی در زندگی فردی و جمعی افراد است و مبنای کنشگری او محسوب می‌شود. عنصر شناسایی، تفکیک و تمایز بین خود و دیگران به زندگی انسان معنا می‌بخشد و او را به تحرک و پویایی وادار می‌کند.

در کنار هویت‌یابی، حفظ هویت نیز یکی از نگرانی‌های جدی بشر امروز به شمار می‌رود و در اکثر جوامع، مورد توجه قرار گرفته است. شناسایی محتوا، ابعاد، عناصر و مؤلفه‌های اصلی هویت ملی و اقدام مؤثر برای تحکیم و تقویت آن، یکی از مسئولیت‌های اجتماعی نهادهای فراگیر ملی است که می‌تواند به افزایش شناخت و آگاهی، تقویت احساس تعلق و آمادگی برای عمل جمعی و هماهنگ با سایر ارکان و اجزای نظام اجتماعی منجر شود؛ به گونه‌ای که جامعه می‌تواند بر محور اراده جمعی، خواسته و انتظارات خود را ساری و جاری نماید. به همان نسبت که همسازی و هماهنگی ابعاد و عناصر هویت ملی می‌تواند یک ویژگی منحصر به فرد برای جوامع محسوب شود، امکان افتراق و جدایی عناصر هویت نیز ممکن است فرایند هویت‌یابی نسل‌ها را با بحران و چالش‌هایی روبه‌رو نماید؛ بر همین اساس تمامی جوامع در فرایندهای جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌های فرهنگی نهادها، ساختارها، نقش‌ها و راهکارهایی را برای این منظور لحاظ می‌نمایند. اساسی‌ترین این نهادها، خانواده و گروه‌های خویشاوندی، نهادهای آموزشی و تربیت شهروندی هستند که اساس و بنیان هویت را تشکیل می‌دهند. هویت در طول زمان در آثار تمدنی و رفتارهای فردی و اجتماعی منعکس است و بسیاری خود را در جایگاه مروج و مدافع آن می‌شناسند؛ از این رو هنگامی که در قواره اجتماعی از هویت بحث می‌شود، برخی نهادهای عمومی به شیوه‌های متعدد در شکل‌گیری و تحکیم هویت، خود را مسئول می‌دانند؛ از جمله این نهادها، نهاد بسیج می‌باشد که با ماهیت انقلابی، آرمان‌گرایانه و ارزشی، خود را احیاگر هویت می‌داند. بسیج در کنار نقش احیاگری هویت اسلامی - ایرانی در مقطع مبارزات، پیروزی و حوادث اول انقلاب اسلامی، بر موضوع همسازی و هم‌پیوندی عناصر هویتی نیز متمرکز است؛ به گونه‌ای که دفاع مقدس را می‌توان به عنوان گنجینه عظیم و پشتوانه این ادعا طرح و تبیین نمود. در عین حال، بسیج خود می‌تواند محصول ترکیب هویت‌های گوناگون برای دفاع از یک هویت جدید و شکل گرفته بر محور انقلاب اسلامی محسوب شود که



دارای ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زیادی برای تحکیم و تقویت این هویت در نسبت و رابطه با هویت اصیل اسلامی و ایرانی است.

از آنجا که بی‌توجهی به هویت ملی می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را به مقاومت و پایداری یک ملت در مقابل سایر فرهنگ‌ها و ملل وارد نماید، بررسی و تبیین این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

مسئله هویت ملی، به‌ویژه در عصر مدرنیته و زمزمه‌های جهانی شدن با چالش‌ها و آسیب‌های فراگیر روبه‌رو شده است. نفوذ برخی الگوهای فرهنگی غرب و همراهی گروه‌های داخلی با مؤلفه‌های ساختگی هویت، موجب بروز قرائت‌های جدیدی از هویت شده است؛ به گونه‌ای که گروهی از جوانان، هویت‌های خویش را در ارتباط با الگوهای ناشناخته و حتی بیگانه جستجو می‌کنند که هیچ ارتباطی با عناصر هویتی یک ایرانی مسلمان ندارد؛ بر این اساس مطالعه دقیق این موضوع می‌تواند به دامنه شناخت متولیان امر و همچنین گروه‌های هدف (جوانان) کمک نماید. این پژوهش از آن جهت که به شناسایی و تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های علمی و نظری هویت ملی (اسلامی، ایرانی و انقلابی) در ایران کمک می‌کند، دارای اهمیت است.

افزون بر این، از آنجا که گستره بسیج قبل از هر چیز بر دامنه و عمق هویت اسلامی - ایرانی شهروندان به‌خصوص نسل جوان استوار است و بدون حضور افراد با هویت پایدار، تحقق بسیج یا غیرممکن است یا با چالش‌های عمده‌ای مواجه خواهد بود؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای جذب، سازماندهی و به‌کارگیری نسل جوان، مستلزم درک صحیح از ابعاد مؤلفه‌ای و چگونگی شکل‌گیری هویت جوانان و نوجوانان می‌باشد، به طوری که میزان و عمیق بودن شاخصه‌های هویت ملی در نسل جوان بر احساس تعلق بیشتر آنان به جامعه و آمادگی پاسداری و دفاع از آن در مقابل تهدیدات و توطئه‌های فرهنگی و امنیتی می‌افزاید. در مقابل بسیج نیز خود به عنوان یک گروه هویت‌بخش که توانسته است یا باید بتواند بخشی از هویت جمعی جوانان را تشکیل بدهد یا تقویت کند، جوانان با عضویت و فعالیت در بسیج، به نوعی میزان احساس تعلق و وفاداری و آمادگی خود را برای تحقق اهداف بلند اجتماعی بازگو می‌کنند و حتی درصدد یافتن پاسخ به کیستی و چیستی خود برمی‌آیند. در واقع می‌توان گفت، فرهنگ و تفکر بسیجی جزئی از هویت فرهنگی و انقلابی جامعه را تشکیل می‌دهد و بسیج، متولی اصلی انتقال شاخصه‌ها و مؤلفه‌های آن به جوانان است یا احیاگر شاخصه‌های هویت ملی (با عناصر و ابعاد ایرانی، اسلامی، انقلابی) است؛ لذا این مطالعه می‌تواند نقش‌های عملی و کارکردهای بسیج و رده‌های وابسته به آن را در سطوح برنامه‌ریزی و اجرایی تبیین و تقویت کند.



تلاش برای تحقق بخش‌های سند چشم‌انداز در ابعاد عمق‌بخشی به هویت اسلامی - ایرانی و همچنین تحقق منویات مقام معظم رهبری، مستلزم افزایش اثربخشی فعالیت‌های بسیج در مقابله با آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌روی فرایند هویت‌یابی نسل جوان است. نتایج تحقیق حاضر این امکان را فراهم می‌کند که بسیج به عنوان یکی از مخاطبان اصلی سند چشم‌انداز ضمن بازنگری در محتوا و نوع فعالیت‌های خود، به گونه‌ای عمل کند که ارزش‌ها و هنجارهای هویت‌بخش از متن برنامه‌ها به نسل جوان منتقل گردد.

همچنین کمک به برقراری و تضمین امنیت در مقابل توطئه‌ها و فتنه‌های داخلی و مقاومت در برابر تهدیدات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، خارجی و سیاست‌های واگرایی قومی به عنوان یک چالش هویتی^۱ در ایران که از جانب امپریالیسم - لیبرالیسم غرب مدیریت و پشتیبانی می‌شود. مستلزم یافتن قدر مشترکی از ویژگی‌های ملی و فراگیر است که بتواند انسجام و همبستگی فراگیر و گسترده را فراهم نماید. بسیج به عنوان نهادی فراگیر و انقلابی که سابقه بهره‌گیری از قابلیت‌های هویت اسلامی - ایرانی را در هشت سال دفاع مقدس دارد، بسیار ضروری است با توجه به توسعه دامنه نفوذش در بین جوانان، به این عرصه مهم نیز وارد شود و جامعه فراگیر ملی را در دستیابی و تأمین امنیت یاری نماید.

بر اساس این ضرورت و لزوم تبیین نقش بسیج در فرایند هویت‌یابی، این مقاله با سه هدف کلان: الف) تعیین ابعاد، عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی جوانان در ایران ب) ارزیابی وضعیت کنونی ابعاد، عناصر و ویژگی‌های هویت ملی در بسیج ج) اولویت‌بندی اقدام‌های بسیج در تحکیم هویت ملی و مطابق این اهداف، محقق در پی پاسخ به سه سؤال کلی^۲ و ۱۲ سؤال جزئی مترتب بر آنها برآمده است.

بیان مسئله

هویت به معنی کیستی و چیستی فرد است که در جریان شکل‌گیری شخصیت فرد و فرایند جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن فرد و همچنین در بستر تحولات اجتماعی تکوین می‌یابد. پاسخ به سؤال کیستی و چیستی چه در سطح فردی و چه در سطح

۱. چالش‌ها وضعیتی هستند که در صورت مدیریت صحیح می‌توانند یک فرصت باشند و در غیر این صورت تبدیل به تهدید می‌شوند.

۲. ۱.۱. ابعاد، عناصر و مؤلفه‌های اصلی هویت ملی جوانان در ایران کدام است؟ ۲. در حال حاضر وضعیت تعلق به عناصر هویت ملی (ابعاد اسلامی - ایرانی) انقلابی در بسیج چگونه است؟ ۳. در فرایند تحکیم هویت ملی اولویت بسیج، اقدام در خصوص کدام ابعاد و عناصر هویت ملی است؟



جمعی، همواره یکی از دغدغه‌های آدمی بوده است و در مراحل مختلف حیات فردی و جمعی، گریبان وی را رها نکرده است. اهمیت پرداختن به این سؤال و کم و کیف پاسخ دادن به آن، به این دلیل است که هویت و نوع و جهت آن تعیین کننده بسیاری از جهت گیری‌ها، تصمیمات و رفتارهای او می‌باشد (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱).

هر فردی که در اجتماع انسانی زندگی می‌کند، دارای دو هویت جداگانه است؛ یکی هویت فردی و دیگری هویت جمعی. در هویت فردی، فرد شناسه‌های اختصاصی و منحصر به فردی دارد که او را از دیگر افراد متمایز می‌کند، مانند نام و نام‌خانوادگی و خانواده. اما برعکس، هویت جمعی نمایانگر تعلق فرد به جامعه، گروه یا تشکل خاصی است؛ بنابراین هویت فردی تقریباً ثابت و ابعاد محدودی دارد، در حالی که هویت جمعی دارای ماهیتی سیال، متغیر و چند بُعدی است و نوعی احساس تعلق به گروه‌هایی متکثر را بازگو می‌کند؛ یعنی یک فرد در عین حال می‌تواند به یک کشور و ملت، نژاد و قوم و دین خاصی تعلق داشته باشد و آن را اظهار کند؛ بر همین اساس هویت جمعی در جریان تعاملات اجتماعی ممکن است دچار دگرگونی شود؛ لذا بسیاری از نظام‌های اجتماعی و فرهنگی در تلاش هستند با دخالت در جریان هویت‌یابی فرد، آن را مدیریت نمایند و با انتقال موارث فکری و فرهنگی و گذشته تمدنی، نسل‌های رو به تکامل خود، به خصوص جوانان را در یافتن پاسخ به کیستی و چیستی خود یاری نمایند... کما اینکه مقام معظم رهبری نیز حفظ هویت «اسلامی-ایرانی» را مسئله‌ای بسیار مهم می‌دانند و می‌فرمایند: ملت ایران با تکیه بر همین هویت جمعی می‌تواند در دوران حساس بیداری اسلامی نقش آفرینی مؤثری کند (مقام معظم رهبری، در دیدار مردم پاوه و اورامانات - ۱۳۹۰/۷/۲۵).

برخی بر این باورند که به دلایل مختلف، از جمله عدم ایفای کارکرد مؤثر از جانب نهادها، مراکز و عوامل هویت‌ساز جامعه و همچنین نفوذ الگوهای فرهنگ بیگانه و تحولات بین‌المللی، جامعه و جوانان به نوعی بحران یا کاستی در هویت ملی مواجه گردیده است و عناصر و ابعاد هویت ملی (عنصر ایرانی، دینی، تاریخی، فرهنگی، علمی، قومی، سرزمینی و...) با چالش مواجه شده است و بر همین اساس عناصر هویت ملی نیازمند تحکیم، تقویت و همسازی هستند، به‌ویژه فرایند هویت‌یابی نسل جوان، نیازمند تقویت و تحکیم بخشی بیشتری است.

از این رو در جامعه اسلامی-انقلابی ایران در کنار بسیاری از سازمان‌های فرهنگی و آموزشی، بسیج به عنوان سازمانی که ارتباط تنگاتنگی با جوانان و نوجوانان دارد، خود را ملزم به اقدام مؤثر در تسهیل و تقویت فرایند هویت‌یابی جوانان می‌داند. بسیج ورده‌های وابسته به آن (از جمله بسیج دانش‌آموزی و فرهنگیان، اساتید، هنرمندان،



دانشجویی و طلاب و...) به علت گستردگی، پراکندگی و تأکید فرهنگی، دارای مزیت نسبی و توان عملیاتی در تحکیم بخشی به هویت ملی (با ابعاد و عناصر ایرانی-دینی-انقلابی) یا عناصر هویت ملی می باشد، بدون شک بسیج در مقاطعی حساس از تاریخ انقلاب و فرایندهای مختلف توانسته است به شکل گیری هویت در جوانان (از جمله هویت دانشجویی در مسئله تسخیر لانه جاسوسی و ۱۳ آبان به عنوان نمونه بارز هویت انقلابی نسل جوان در مقابله با ایادی استکبار) به میزان مؤثری عمل نماید؛ یا اینکه بسیج، هنر بهره گیری از لایه ها و عناصر هویت ملی و اسلامی نسل معاصر را در فرایندهای مورد نیاز حراست از انقلاب به آزمون گذاشته و موفق بوده است.

هویت ملی هویتی متکثر، چند لایه و پیچیده است و ایرانیان در بازگویی هویت خود و پاسخگویی به کیستی و چیستی، خود را ایرانی آریایی، مسلمان (سنی و شیعه)، فارس، ترک، کرد، لر، دارای ایل و تبار خاصی می نامند، تعلق و وفاداری خود را به گذشته تاریخی، سرزمین، زبان، دین و قوم ایرانی و همچنین اندیشه و رفتار انقلابی ناشی از حرکت تاریخ ساز امام خمینی (ره) می دانند. از آنجا که هویت ملی را می توان مهم ترین مبنای همبستگی ملی و در نتیجه کنش جمعی ملت دانست، به همین جهت بسیج به عنوان یک سازمان پیشرو - که واجد تمام ویژگی های هویت ملی است - لازم است ابعاد هویت ملی را بشناسد، عناصر یا مؤلفه های آنها را مشخص و با توجه میزان اهمیت هر کدام از آنها نقش و جایگاه خود را در تحکیم و تقویت هویت ملی (هویت جمعی عام) مشخص کند.

مقاله بر آن است ضمن تعیین ابعاد، شاخصه ها و مؤلفه های هویت ملی (ایرانی، اسلامی و انقلابی) جوانان، عوامل و موانع پیش روی هویت ملی در میان جوانان را تبیین و با توجه به پتانسیل ها و توانایی های بسیج، نقش آن را در تحکیم بخشی و تقویت هویت ملی بازخوانی نماید و فعالیت و اقدامات مناسب را با توجه به قابلیت های اقشار و تشکل های بسیج برای نقش آفرینی در این حوزه شناسایی، اولویت بندی و معرفی کند. علاوه بر این، ارائه هر گونه راهکار عملی برای ایفای نقش بسیج در هویت بخشی یا تحکیم هویت ملی، مستلزم شناخت و تعیین عناصر، ابعاد و مؤلفه های ایرانی، اسلامی و انقلابی هویت در نسل جوان است؛ از این رو تعیین وضعیت تعلق بسیج به هر کدام از ابعاد، عناصر و لایه های هویت ملی، نکته دیگری است که در این مقاله در پی تدقیق آن می باشیم.



تدارک نظری

هویت^۱

هویت از نظر لغوی، عبارت از پاسخ به کیستی و چیستی فرد در مقایسه با دیگران و معرفی جایگاه فرد در جامعه و در مقایسه با سایر افراد می‌باشد. به اعتقاد تاجفل^۲ هویت عبارت است از «آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه اجتماعی همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منضم به آن عضویت سرچشمه می‌گیرد».

هویت دو بعد اساسی یا دو جزء دارد:

۱- **بُعد فردی** و آن عبارت از آگاهی، احساس و برداشتی مثبت یا منفی است که فرد نسبت به خود دارد و خود را با آن بیان می‌کند، مانند زن یا مرد، بزرگسال یا مسلمان بودن در مقابل دیگران.

۲- **بُعد اجتماعی** و آن عبارت از آگاهی و برداشتی است که فرد نسبت به جایگاه و چیستی خود در جامعه و گروه‌های اجتماعی که عضو و متعلق به آنهاست دارد، مانند مذهبی بودن، انقلابی یا محافظه کار بودن. هویت جمعی یا اجتماعی نشئت گرفته از جایگاه و تعلق فرد به جامعه است. براینند کلی هویت اجتماعی، همان هویت جمعی است که دارای عناصر متعددی است، از جمله دینداری، سبک زندگی، تعلق سرزمینی و قومی، تعلق حزبی و گروهی، وابستگی ملی (تعلق به یک ملت)، تعلق صنفی و سازمانی. در تعریف دیگر «هویت مجموعه معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های اجتماعی به فرد القا می‌کند یا وضعیتی است که به فرد می‌گوید او کیست و مجموعه معانی را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی و چیستی او را تشکیل می‌دهد (Bourk, 1991: 83).

هویت، موضوعی سیال و پدیده‌ای در حال شدن است؛ براساس ایده کلی تحلیل گفتمان (لاکلو و موف)، پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند، معانی هیچ‌گاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند، حتی اگر برخی از مؤلفه‌های هویت، ثابت باشند، بسیاری از مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن دائماً در حال تکامل یا جایگزینی‌اند (بورگنسن و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۳). بر همین قاعده، برخی از مهم‌ترین رویکردهای نظری در رابطه با هویت بررسی شده است: **الف) رویکرد جامعه‌شناختی**؛ باور به اینکه هویت، ساخته و پرداخته ظرف زمان، مکان، فضا و موقعیت اجتماعی فرد است. آرای جامعه‌شناسان درباره هویت به طور عمده، در دیدگاه کنش متقابل نمادین^۳ تبلور می‌یابد. مطابق این رویکرد، هویت‌یابی

1- identity

2- Tajfel

3- Symbolic Interaction Perspective



مفهومی بنیادین و محوری در فرایند جامعه‌پذیری و نحوه انتقال میراث فکری، فرهنگی و تاریخی به نسل‌های بعدی است.^۱ مطابق نظریه کنش متقابل گرایان و از جمله کولی^۲، هویت یک فرد، همان «خود آینه‌سان» اوست که در جریان تعاملات فرد با دیگران شکل می‌گیرد. هویت تعریفی است که فرد به واسطه تعاملش با دیگران و با نگاه کردن در آینه دیگران از خود به دست می‌آورد.

از دیدگاه جرج هربرت مید^۳، هر فرد، هویت یا خویشتن خود را از طریق سازماندهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد. براساس نظریه مید، من فاعلی^۴، همان هویت فردی است و من مفعولی^۵، همان هویت اجتماعی^۶. در واقع، هویت یعنی تصور و معانی که فرد از خودش در مقابل دیگران پیدا می‌کند (فنبری، ۱۳۸۲: ۶۳).

براساس نظریه بلومر^۷، در جریان کنش متقابل نمادی بر حسب موقعیت‌های مختلف، افراد واقعیت‌ها، پنداشت‌ها یا تعبیرهایی به دست می‌آورند. هویت یا خود اجتماعی افراد، یکی از این واقعیت‌هاست؛ بر این اساس هویت فرد، پنداشتی است که او از خود در جریان کنش متقابل با دیگران به دست می‌آورد. همچنین بارر (۱۹۹۵) در مقاله خود با عنوان «مقدمه‌ای بر برساخت‌گرایی اجتماعی» می‌نویسد: «ما اساساً موجوداتی تاریخی و فرهنگی هستیم و دیدگاه‌های ما به جهان و شناختمان از آن محصول تعاملات تاریخمند میان آدمیان است» (Burr, 1995:3)

ب) رویکرد روان‌شناختی: باور به اینکه فرایندهای روانی شخص، نقشی ضروری در ساخت و پرداخت هویت ایفا می‌کنند. این نظریه‌ها به طور عمده با دیدگاه شناخت اجتماعی^۸ همپوشی دارند. در این حوزه اریک فروم^۹ اعتقاد دارد هر فردی مایل است هویت خاص خود را داشته باشد؛ بر این اساس می‌کوشد خویشتن را دریابد، بشناسد و در عین حال، فردی ممتاز باشد و برای رسیدن به موفقیت، خود را به شخص یا گروهی نسبتاً سرشناس مرتبط کند و خویشتن را با آن همساز کند تا به واسطه امتیاز و تشخیصی که آن فرد یا گروه دارد، صاحب امتیاز ویژه‌ای شود.

۱. در بحث نظری عوامل و نحوه اجتماعی شدن و یادگیری ارزش‌های ملی و مذهبی، بسیج برآمده از انقلاب اسلامی در جایگاه گروه ثانویه با ماهیت داوطلبی می‌تواند در این فرایند وارد شده و به شکل‌گیری و تحکیم هویت کمک نماید.

2- Cooley

3- George H.Mead

4- I

5- Me

6- Social identity

7- Blumer

8- Social Cognition Perspective

9- Eric From



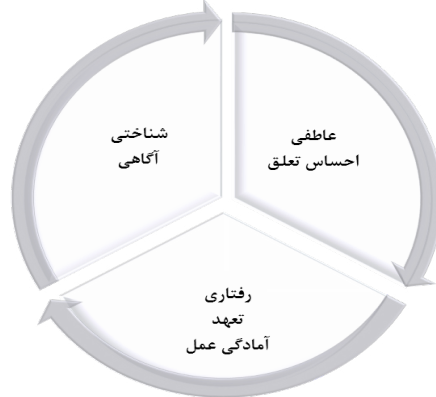
تعریف اریک اریکسون^۱ از هویت، بیشتر جنبه اجتماعی دارد. به نظر او، هویت به معنای احساسی نسبتاً پایدار از یگانگی خود است؛ (شرفی، ۱۳۸۳: ۲۷۴) همچنین جیمز مارسیا^۲، بحران هویت را ناتوانی فرد در دستیابی به یک معنا و مفهوم پایدار و منسجم از خود می‌داند؛ بنابراین هویت همان آگاهی نسبت به خود و خویشتن و پاسخی منسجم به کیستی و چیستی خود است؛ بر همین اساس می‌توان گفت، انقلاب اسلامی را گروهی ساختند که این برداشت منسجم و پایدار را از خود به دست آورده بودند.

جنکینز^۳ هویت را به دو دسته اولیه و ثانویه تقسیم می‌کند. هویت اولیه را شامل خود بودن، جنسیت، وابستگی قومی و خویشاوندی می‌داند که فرد در خانواده پیدا می‌کند؛ در حالی که هویت ثانویه، همان هویت جمعی است که در تعاملات اجتماعی و در قالب گروه‌های ثانویه شکل می‌گیرد. «مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد و اشیاء و نسبت محتمل برقرار می‌سازد؛ از یک طرف، شباهت و از طرف دیگر تفاوت» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵).

هویت اجتماعی به اعتقاد تاجفل، با عضویت در گروه پیوند دارد و از سه عنصر تشکیل می‌شود:

(الف) عنصر شناختی؛ یعنی آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد.
 (ب) عنصر ارزشی؛ فرضیه‌هایی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت در گروه
 (ج) عنصر احساسی؛ احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه خاص با آن گروه دارند (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵).

در کل، بر اساس رویکرد روانشناسی می‌توان گفت هویت در نسبت با فاعل آن، در ارتباط با یک موضوع (موجودیت) هم بر شباهت و هم بر تمایز تمرکز دارد و از سه عنصر اساسی برخوردار است که عبارتند از: الف- شناخت نسبت به آن موجودیت ب- احساس تعلق به آن موجودیت ج- آمادگی دفاع و رفتار هم‌نوا یا متعارض با آن.



- 1- Eric Eriksson
- 2- Marcia James
- 3- Jenkins



علاوه بر این، در چارچوب مباحث امنیت و مرتبط با نقش و مأموریت بسیج در جامعه، هویت‌داری کارکرد قوام‌بخش است، عنصر کلیدی جامعه همان اندیشه‌ها و رویارویی‌هایی است که به افراد به عنوان عضو یک گروه اجتماعی هویت می‌بخشد، «جامعه از هویت، یعنی برداشتی که همبدها و افراد از خودشان دارند و آنها را به عنوان اعضای یک جمع به همبسته مشخص می‌سازد، قوام می‌گیرد. این هویت‌ها از سازمان‌های آشکارا سیاسی مرتبط با حکومت متمایز اما با آنها به هم پیچیده‌اند» (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

از نگاه بوزان، هویت مفهوم سازمان‌دهنده اجتماع است. این معنا از هویت، ناظر بر کارکرد تشابه و تمایز‌گذاری هویت است. بر همین اساس معتقد است «زمانی ناامنی اجتماعی وجود دارد که همبدهایی از هر نوع، تحول یا احتمالی را به عنوان تهدیدی برای بقای خودشان به عنوان همبود تعریف کنند... و امنیت اجتماعی را ناظر بر گروه‌های هویتی بزرگ و بی‌نیاز از خود تعریف می‌کند» (بوزان، همان: ۱۸۴).

ج) رویکرد دینی؛ در رویکرد دینی، هویت زمانی که بر ریشه مشترک فطرت الهی انسان استوار است، ثابت و بین تمام انسان‌ها مشترک است و آنگاه که با مؤلفه‌های زمینه‌ای، تاریخی و فرایند تربیت و اجتماعی شدن فرد مربوط می‌شود، دائماً در حال تکامل است. در این رویکرد، هویت دینی را در دو سطح می‌توان مشاهده کرد؛ اول در سطح فردی و شخصی که مترادف با دینداری فردی است و دوم در سطح جمعی که متضمن آن سطح از دینداری است که با «ما» جمعی یا همان اجتماع دینی یا امت مقارنه دارد (دوران، ۱۳۸۳: ۸۴). در این معنی، هویت دینی به معنی تعلق و تعهد به جامعه دینی است که نمی‌تواند از بنیان دینداری فردی برخوردار نباشد؛ یعنی کسی جزء امت قرار می‌گیرد که در درجه اول دیندار باشد؛ بر همین اساس بسیاری از کنش‌ها، مناسک و شعائر دینی در کنار تأکید بر هویت فردی و رستگاری فردی بر هویت جمعی و کمال امت و جامعه اسلامی معطوف است. به عنوان مثال، حج به عنوان یکی از شعائر الهی با رویکرد جامعه‌شناسی دینی به تحقق این امر کمک کند. پرچمی (۱۳۹۳) بر این باور است که «حج، پیشرفت حجاج، کشورهای اسلامی و امت اسلام را محقق می‌نماید؛ حجی که تولید و مصرف سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطوح خرد، میانه و کلان با استفاده از ظرفیت‌های حجاج را فراهم کند و تحقق این موضوع منوط به تغییر نگاه تقلیل‌گرایانه به حج است». وی همچنین از مناسک حج به عنوان بستری برای دستیابی به هویت فراگیر اسلامی یاد می‌کند: «... و باید برای وحدت اجتماع بکنیم. وحدت هم یعنی با حفظ تفاوت‌ها بر سر اشتراکات عام و مهم‌تر به وفاق برسیم. قرار نیست مثل هم بشویم. هر چند اختلافاتی وجود دارد، با این حال



ما اشتراکات بسیار زیادی - با برادران اهل سنت - داریم و باید روی این اشتراکات تأکید کنیم. نباید راجع به آن افتراقات حرف بزنیم که تضعیف بشویم. به این طریق است که می‌توانیم به سمت تحقق جامعه مطلوب اسلامی مبتنی بر هویت مشترک حرکت کنیم. جامعه‌ای که وقتی خدا محور می‌شود، تفاوت‌ها اعم از تفاوت‌های قومی، نژادی و مذهبی و جنسیتی نادیده گرفته می‌شود و همه متصف به صفت بندگی خداوند که معیار انسانیت است، می‌گردند. حج برای اجتماع و وحدت است، وحدت وضعیتی است که تفاوت‌ها وجود دارند، از بین نمی‌روند اما اهمیتشان را از دست می‌دهند، اشتراکات اهمیت پیدا می‌کنند (پرچی، ۱۳۹۳، نقل از <http://elmoiman.ir>).

نگاه جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی به هویت، به این دلیل که فقط بر هویت شکل گرفته در جامعه و بر اساس ویژگی‌های روانی و اجتماعی متمرکز است و بین هویت انسانی مبتنی بر فطرت و حقیقت وجود و بُعد جمعی هویت او فاصله انداخته است، مورد انتقاد است. مطابق رویکرد دینی، نقطه مشترک هویت تمام انسان‌ها، فطرت است.^۱

رویکرد دینی، علاوه بر تأثیر و تبیین رابطه هویت با عوامل طبیعی، اجتماعی و حالات روانی و تعلقات ذهنی، چشم‌انداز و آموزه‌های دینی را در هویت‌یابی مؤثر و دخیل می‌داند. بر همین قاعده می‌توان گفت، تاریخ تمدن اسلامی، حوادث و رویدادهای اجتماعی درون جامعه دینی (با ملاک له یا علیه فطرت پاک و الهی انسان) در هویت‌سازی یا همسازی عناصر و ترکیب هویت اجتماعی - دینی افراد، حضور و نقش فعال دارند. حوادث صدر اسلام و از جمله حادثه عاشورا ضمن اینکه خود بر پایه‌های هویتی خاص استوار است، در هویت‌سازی نسل‌های بعد نیز تأثیر جدی داشته است. نمونه بارز این را می‌توان در استناد و تأکید برخی رهبران غیرمسلمان از جمله گاندی، رهبر فقید هند مشاهده کرد. همچنین مقام معظم رهبری در تقابل واژگانی با غرب می‌فرماید: «من دیپلمات نیستم، من یک فرد انقلابی هستم». این عبارت رهبری به رغم اشراف بر ادبیات و اصول دیپلماسی، نشان‌دهنده تعلق به هویت دینی و انقلابی است که ریشه در آموزه‌های عملی و قیام امام حسین (ع) و عاشورا دارد و فضای کنش مبتنی بر هویت انقلابی یک مسلمان شیعی در جایگاه یک رهبر دینی را بازگو می‌کند.

مطابق رویکرد دینی، تأثیر آموزه‌های دینی در ارتباط با هویت اجتماعی، به شکل ایدئولوژی تجلی پیدا می‌کند و ایدئولوژی برآمده از دین، کارکرد هویت‌بخش دارد. مهم‌ترین این کارکردها عبارتند از:

۱. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند.» (روم: ۳۰)



۱. فراهم ساختن تصویری از جهان برای فرد بر مبنای واقعیت‌ها
 ۲. فراهم ساختن یک وسیله هویت در جهان برای فرد (تعریف جایگاه مناسب برای فرد در جامعه یا هویت‌یابی)
 ۳. فراهم ساختن ساختار ارزشی برای واکنش نشان دادن نسبت به پدیده‌ها
 ۴. فراهم کردن راهنمای عمل برای فرد (رایش، ۱۳۸۷: ۲۰۵)
- رویکرد دینی هویت ضمن تأکید بر اتصال انسان به منشأ خلقت (توحید) و غایت (معاد)، برنامه زندگی (شریعت) و اقتضائات تاریخی، بومی و جغرافیایی کنش‌های اجتماعی را جلوه‌ای از هویت ترکیبی می‌داند. کچویان (۱۳۹۳) در تحلیل ماهیت هویت ملی (اسلامی و ایرانی)، ضمن اعتقاد به هویت ترکیبی، بر این باور است که مبنا در هویت ترکیبی ما اسلام است و سایر اجزای هویتی را بر اساس اسلام می‌پذیریم؛ یعنی به منطق اسلامی عرضه می‌کنیم و آنهایی که ناسازگاری دارند، سازگار و بعد هم جذباتشان می‌کنیم. وی دلایلی برای اثبات مبنایی بودن بعد اسلامی هویت در حوادث تاریخی ایران در مقابل منتقدان آن - طرفداران بعد ناسیونالیستی هویت ایرانی - بیان می‌کند که در دو دسته دلایل توصیفی و دلایل تجویزی بازگو می‌کند؛ توصیفی، مفهومش این است که به لحاظ توصیفی، عنصر اصلی یا منبع اصلی هویتی ما اسلام است؛ که وقتی مردم این جامعه (بر اساس هویت جمعی نه فردی) می‌خواهند کاری انجام دهند، به اتکای این منبع و عنصر انجام می‌دهند که اگر این منبع نباشد و مؤید نباشد و مشوق نباشد، آنها هرگز فعل و عملی را انجام نمی‌دهند. از جنبه تجویزی، ما استدلال می‌کنیم که اولاً معتقدیم انسان ملزم به تبعیت از خداست و خدا دین را آورده و ما خودمان را ملزم به آن کردیم؛ بنابراین تمام اعمال و رفتارمان باید مطابق بر دین باشد، این جنبه تجویزی است؛ یعنی می‌گوییم هر جا نزاعی به وجود آمد و دعوایی به وجود آمد بر سر عناصر هویتی، ما مسلمان هستیم و اسلام به ما گفته که باید عملتان مطابق با شرع باشد (<http://ejtemae.ir>)؛ بر همین اساس ایشان بسیاری از حوادث تاریخ معاصر (از جمله انقلاب اسلامی) را جلوه‌ای از هویت اسلامی و عناصر سازگار شده ایرانی می‌داند - درحالی که این نظر در یک سطح از تحلیل قابل قبول است - اما باید این استدلال را بپذیرفت که انقلاب، خود زایشی در هویت اسلامی - ایرانی ایجاد کرد و یک بُعد جدید بر هویت ملی افزود و تشکلهایی مانند بسیج، حماسه‌هایی مانند دفاع مقدس، تسخیر لانه جاسوسی و تظاهرات ۹ دی سال ۱۳۸۸ بر مبنای هویت انقلابی، دینی و حتی ملی در مقابل دخالت خارجی و عوامل وابسته داخلی انجام شده است.

انقلاب اسلامی و احیای هویت اسلامی - ایرانی

انقلاب اسلامی در ایران، حرکتی هویت‌پایه است. ریشه این هویت‌یابی را می‌توان تا صدر اسلام و حرکت‌های هویت‌ساز شیعی، از جمله قیام سالار شهیدان حضرت امام حسین(ع) و تفکر‌رهایی‌بخش علوی و مهدوی جستجو کرد. تأثیر انقلاب اسلامی در احیای هویت ایرانی به گونه‌ای است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکی از خصوصیات برجسته و بارز نظام جمهوری اسلامی ایران را استقلال و هویت می‌داند و تأکید می‌کنند: «ما به برکت اسلام توانسته‌ایم هویت ایرانی خود را حفظ کنیم». معظم‌له یادآوری می‌فرماید: «هویت ایرانی ما از اسلام است». همچنین می‌فرماید: «ملت‌های مسلمان با انقلاب اسلامی احساس هویت و احساس عزت کردند: (ترنم نور، ۱۳۸۴: ۲۰۵).

با رویکرد جامعه‌شناسی دینی و اسلامی، بسیاری از تعبیر رایج در موضوع هویت قابل نقد است. به این دلیل که هویت را بیشتر روبرنایی و برساخت اجتماعی می‌دانند، در صورتی که هویت در نگاه دین فطرت پایه و یگانه است، همان حقیقت انسانی و فطرت پاک است که در تعاملات اجتماعی دستخوش تغییرات عرضی شده است. گروهی بر هویت اصیل انسانی باقی می‌مانند و گروهی به انحراف می‌روند. امام خمینی(ره) بر خلاف بسیاری از متفکران پیشین و از جمله ابن‌سینا و اقبال لاهوری در فرایند هویت‌یابی دینی، بستر مناسب را در ایران و ملیت ایرانی می‌بیند و هویت جدید اسلامی را در سرزمین ایران برساخت می‌نماید و این مسئله در بررسی‌های علمی نیز مشهود است، به طوری که مردم ایران خود را با هویت اسلامی و ایرانی تعریف می‌کنند. این موضوع در مجموع، در مورد سه نسل با وجود اختلاف کم صادق است. در این صورت، می‌توان مدعی شد هویت ایرانی تلفیق ایرانییت و اسلامیت است و در این تلفیق، تعارض بنیادی وجود ندارد (آزادارمکی و همکار، ۱۳۸۰: ۵۳).

جهت‌گیری اصلی در هویت ایرانی، وضعیت تلفیق‌گونه بین اسلام و ایران است؛ زیرا این دو از ابعاد تکمیلی هویت ایرانی‌اند. همچنین نتایج تحقیق آزادارمکی و همکاران به نقل از علیخانی (۱۳۸۳) نشان می‌دهد، در مقایسه دو بُعد هویتی ملی (ایرانی و اسلامی)، ۶۱٪ ایرانیان در بازگویی هویت خود اعلام کرده‌اند «بیش از هر چیزی خود را مسلمان» می‌دانند و ۳۴٪ «بیش از هر چیزی خود را ایرانی» می‌دانند؛ بنابراین بیشتر افراد هویت خود را برگرفته از مؤلفه‌های اسلامی می‌دانند. همچنین افرادی که خود را ایرانی دانسته‌اند، در تعارض با مسلمان بودن خود نیستند و افرادی که خود را مسلمان خوانده‌اند، خود را در تعارض با ایران و ایرانی قرار نداده‌اند (علیخانی، ۱۳۸۳: ۱۶۴). بر خلاف تصور برخی ملی‌گراها مبنی بر بی‌توجهی به ابعاد هویت ایرانی در سالیان



پس از انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری، نوروز را به عنوان یک جزء هویت ایرانی و اسلامی می‌شناسد و در این رابطه، ضمن بیان تأثیر فرهنگ اسلامی بر فرهنگ ایرانی می‌فرماید: محتوای نوروز ایرانی، غیر از محتوای باستانی است، مردم ما نوروز را بهانه‌ای برای دید و بازدید و رفع کدورت‌ها و کینه‌ها و محبت به یکدیگر قرار می‌دهند... عید نوروز چیز خوبی است، وسیله‌ای است که با آن دل‌ها شاد می‌شود و انسان‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، صله رحم و صله احباب می‌کنند (ترنم نور، ۱۳۸۴: ۲۹۵).

همچنین مقام معظم رهبری در ترسیم مسیر پیشرفت آینده کشور، ضمن یادآوری لزوم تحول و پویایی، یادآوری می‌فرماید: ... هویت ملی را به شدت مورد ملاحظه قرار دهیم و ارج بنهیم. هویت جمعی یک ملت، جزو آن چیزهایی است که در تحولات باید دست نخورد. در کنار هویت ملی، پویایی، نشاط، برخورداری از آزادی تحرک و روح رقابت در میان جمع خود را باید به شدت ارج بنهیم و به آن اهمیت بدهیم... پس، ثبات اجتماعی باقی می‌ماند؛ به خاطر اینکه ریشه‌ها و اصالت‌ها و ساختارهای اصلی و هویت ملی محفوظ است... حالا برای تغییر بخش‌های غلط، کارهای غلط و راه‌های غلط، تلاش و پویایی لازم است... خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه انسانی در هر تحولی و عواطف و محبت در انسان‌ها باید تقویت بشود و در این جهت باید راه برویم... (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۳۸۵/۸/۱۸).

لذا با علم به اینکه هویت ملی ایرانی با دو لایه هویت اسلامی-ایرانی ترکیبی است و توجه به ویژگی‌های تمدن ایرانی، سرزمینی، تاریخی و چارچوب جغرافیایی ایران در جامعیت راهبرد تشکیل هویت جهانی اسلام و با رویکرد حکومت و لا (کشورداری و حفظ سرزمین ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام، مستلزم معنی‌داری حب وطن، دفاع سرزمینی و حفظ نظام سیاسی ایران است) بسیار دارای اهمیت است؛ به طوری که مقام معظم رهبری در معرفی فرایند پنجگانه تمدن بزرگ اسلامی، تشکیل دولت و کشور اسلامی را مقدم بر جهان اسلام بیان فرموده‌اند که نشان از اهمیت جایگاه و نقش دولت و کشور اسلامی مقتدر در جایگاه ام‌القرای اسلام برای رسیدن به جامعه جهانی اسلامی دارد.



جدول (۱) مراحل شکل‌گیری و تحقق تمدن اسلامی بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری

مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم	مرحله پنجم - نهایی
انقلاب اسلامی	نظام اسلامی	دولت اسلامی	کشور اسلامی	دنیاى اسلام
به ثمر نشستن مبارزات، مطالبات و خواسته‌های مردم، مراجع و اندیشمندان مبتنی بر آرمان‌ها، شریعت و آموزه‌های دینی	استقرار ارکان اصلی نظام اسلامی مبتنی بر اندیشه اجتماعی اسلام و الگوی ولایت‌فقیه که در قانون اساسی تبلور یافته است.	حضور کارگزاران و دولتمردان متعهد، مسئولیت‌پذیر مبتنی بر اندیشه، تفکر، سیاست و اخلاق اسلامی و دینی و فراگیری در سطح دولت اسلامی و برنامه‌ریزی و اجرا بر اساس سیاست‌ها، اصول و آرمان‌های انقلاب	شکل‌گیری هویت دینی، ملی و اسلامی و همگرایی اقوام و گروه‌های مختلف در پهنه جامعه اسلامی و فراگیری وحدت و همبستگی اجتماعی تالؤ و تشعشع نظام اسلامی در مرزهای داخلی و در ارتباط با آحاد شهروندان ایرانی	ارائه الگویی مناسب از حاکمیت دینی در جامعه و اسوه بودن برای ملل و امت اسلامی و تحقق جامعه آرمانی اسلام بر اساس اندیشه مهدویت و منجی
وضعیت تحقق	محقق شده	نیاز به تکامل دارد	باید محقق شود	باید محقق شود

منبع: (عبدالملکی، ۱۳۹۱: ۳)

بنابراین لایه ایرانی هویت ملی را بستری برای باروری رویکرد حکومت ولا (حب دین، پذیرش ولایت و اتصال به خدا، پیامبر و امام معصوم و امام غایب (عج)) می‌داند که در قالب هویت ولایی نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر تفکر سیاسی - اجتماعی تشیع معنی‌دار است؛ و بعد سرزمینی هویت (جغرافیا، نژاد، قوم، قبیله، خانواده و سایر ویژگی‌ها و نمادهای مهم فردی) بستری برای تبدیل «من» به «ما» منظور شده است.



همچنین مقام معظم رهبری برای تحقق این هویت و نیل به جامعه مطلوب اسلامی، ضرورت طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را بر محور نخبگان دانشگاهی، پشتیبانی مسئولان و همراهی مردم یادآوری می‌فرمایند: ...مدل‌سازی و الگوسازی، کار خود شماست؛ یعنی کار نخبگان ماست. در تحقیقات دانشگاهی باید دنبالش بروند، بحث کنند و در نهایت مدل پیشرفت را برای ایران اسلامی، برای این جغرافیا، با این تاریخ، با این ملت، با این امکانات، با این آرمان‌ها ترسیم و تعیین کنند و بر اساس او، حرکت عمومی کشور به سوی پیشرفت در بخش‌های مختلف شکل بگیرد... ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی- ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبنای نظری و فلسفی اسلام و مبنای انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی ایرانی است. البته کشورهای دیگر هم از آن، بدون تردید استفاده خواهند کرد؛ همچنانی که تا امروز هم ملت ما و کشور ما برای بسیاری از کشورها در بسیاری از چیزها الگو قرار گرفته، اینجا هم یقیناً این الگو مورد تقلید و متابعت بسیاری از ملت‌ها واقع خواهد شد (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۳۸۶/۲/۲۵).

مقام معظم رهبری با تأکید بر حرکت رو به پیشرفت کشور می‌فرمایند: ... البته این به معنای این نیست که ما تازه می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم، لذا الگو برای پیشرفت می‌خواهیم؛ نه، پیشرفت در کشور ما با انقلاب و با نهضت انقلابی شروع شد. یک جامعه ایستای راکد، زیر فشار، استعداد‌های خفته، بدون اجازه هیچ تحرکی در دریای عمیق استعداد‌های ملی ما، با حرکت انقلابی دگرگون شد... (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۳۸۶/۲/۲۵).

از نگاه جامعه‌شناسی دینی، هویت اسلامی یک سرمایه اجتماعی است که امکان تولید و توسعه آن در جامعه اسلامی و ذیل برخی از شعائر اجتماعی اسلام از جمله نماز جمعه، نماز عیدین، حج و... ممکن است. پرچمی (۱۳۹۳) بر این باور است که حج- انقلابی^۱ - اساساً برای افزایش سرمایه‌های انسان‌ها در سطوح مختلف است. این سرمایه هم سرمایه معنوی است، هم سرمایه اقتصادی است، هم سرمایه سیاسی است، هم سرمایه اجتماعی است، هم سرمایه فرهنگی است. با حج رفتن و آمدن باید سرمایه‌ها افزایش پیدا بکنند؛ آن هم نه فقط سرمایه‌های معنوی فردی. این نگاهی تقلیل‌گرایانه به حج است. حج این ظرفیت را دارد که سرمایه‌ها را در سه سطح افزایش

۱. حجی که از بعد عبادت فردی فراتر رود و معطوف به تعاملات و کنش‌های جمعی بین امت اسلامی به امید تحقق آینده بهتر و مطلوب گردد. تحول خواه و دگرگون‌کننده است. نه تکرار و بازگشت.



دهد؛ در سطح خرد برای فرد، در سطح میانه برای کشور و در سطح کلان برای امت اسلامی انواع سرمایه‌ها را افزایش دهد. حج، نمونه‌ای از نظام اجتماعی چند فرهنگی است که همه اعضای آن ضمن حفظ برخی تفاوت‌های خود با وفاق بر اشتراکات عام مهم، سرمایه‌هایشان را همسو با افزایش سرمایه‌های جامعه (کشور خود و امت اسلامی) افزایش دهند. (پرچی، ۱۳۹۳، نقل از <http://elmoiman.ir>). وی فرایند انقلاب اسلامی را در راستای احیای این پتانسیل جامعه اسلامی مفید می‌داند و معتقد است: حاجی مسلمان ایرانی انقلابی باید بتواند این الگو (انقلاب) را برای حجاج سایر کشورهای اسلامی معرفی و تبیین نماید. بر همین اساس ایشان معتقد است با گذر از نگاه فردی به حج و فراهم‌سازی زمینه تعامل و افزایش روابط بین گروهی، شناخت و اعتماد به هم بیشتر می‌شود و سرمایه اجتماعی در سطح میانه و بعد هم کلان رشد می‌کند و جامعه مطلوب اسلامی شکل می‌گیرد.

در واقع، آنچه انقلاب اسلامی برای مسلمانان و همه جهان به ارمغان آورد و به تمام آزاداندیشان و نهضت‌های رهایی‌بخش هدیه داد، تزریق روح آزاداندیشی و آزادمنشی در جامعه جهانی و محرومان عالم است. در قرن جدید و احیای هویت از طریق بازگرداندن روحیه توانستن و خودباوری به آنها بود که زیر چکمه مستکبران و عوامل استعمار از میان رفته بود. «نلسون ماندلا» رهبر فقید آفریقای جنوبی در دیدار با مقام معظم رهبری، ضمن تمجید شخصیت امام خمینی (ره) گفت: امام خمینی نه تنها رهبری بزرگ برای ایران بود بلکه رهبری برای تمام نهضت‌های آزادی‌بخش جهان به شمار می‌رفت و ما خود را مدیون انقلاب اسلامی می‌دانیم (سایت اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری - ۷۸/۷/۲۵).

در همین گفتمان و فضای هویت‌یابی، شهید مطهری برخی از متفکران اسلامی را به عنوان احیاگران هویت دینی و اسلامی در جهان عرب و اسلام معرفی کرده و از جمله این گروه، به متفکرانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، کواکبی و اقبال لاهوری اشاره می‌کند و می‌نویسد: اقبال، اندیشه‌ای به نام «فلسفه خودی» دارد که معتقد است جامعه‌ای که دچار بیماری تزلزل شخصیت و از دست دادن هویت می‌شود، ایمان خود را از دست می‌دهد و یکسره سقوط می‌کند. هویت جامعه اسلامی «خویشتن» و «خود» اصیل جامعه است و رکن شخصیت این روح جمعی، اسلام و فرهنگ اسلامی است. نخستین کار لازمی که یک مصلح باید انجام دهد، بازگرداندن ایمان و اعتقاد این جامعه به «خود» واقعی او، یعنی فرهنگ و معنویت اسلام است (مختاری، ۱۳۸۳: ۱۷۹).

محمد اقبال لاهوری از جمله این متفکران دوران معاصر در حوزه تمدن اسلامی است که اندیشه او همچنان نوید بیداری را می‌دهد، وی در نوشته‌های خود در ارتباط با موضوع اسلام به عنوان هدف سیاسی بحث می‌کند و می‌گوید: «اسلام فقط یک دین



نیست بلکه یک ملت یا یک قوم نیز هست. در اسلام دین (مذهب) و ملت از هم جدا نیستند. منافع ملت بر منافع خود به همین علت برتری دارد که در اسلام، ملت صورت خارجی دین است. آنگاه از قانون اساسی ذکری به میان می‌آورد و می‌گوید: «این قانون دو اصل اساسی دارد، اول حاکمیت الهی و دوم مساوات میان همه افراد ملت. هدف سیاسی اسلام ایجاد جمهوریت توسط اتحاد ملت اسلامی به صورت حقیقی می‌باشد. اصول مساوات همه افراد ملت مسلمان بود که این ملت را به صورت بزرگ‌ترین قدرت سیاسی جهان درآورده بود.» (ابوئی مهریزی، ۱۳۷۲: ۷۹)

انقلاب اسلامی صرفاً رخدادی داخلی و منحصر به مرزهای داخل ایران نیست بلکه موضعی است که در سطوح جهانی و منطقه‌ای، توجه بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است و اتفاقاً نقطه‌ی مشترک همه آنها، تأکید بر ماهیت اسلامی و احیاءگری در عرصه ارزش‌های اسلامی و تفکر شیعی به عنوان هویت منحصر به فرد انقلاب مردم ایران است. در ادامه به برخی نمونه‌ها در این مورد اشاره می‌شود. اسکاچ پل^۱ از اندیشمندان غربی است که به اهمیت و نقش اراده، آگاهی، رهبری و اندیشه در انقلاب ایران اذعان کرده، می‌نویسد: «در دنیا اگر تنها یک انقلاب موجود باشد که آگاهانه ساخته شده است، آن انقلاب ایران است.» از نظر او، در کنار عوامل ساختاری در ایران، مجموعه‌ای از تشکلهای فرهنگی و سازمانی ریشه‌دار و تاریخی، اسلامی و شیعی، اسطوره بنیادین تشیع، امام حسین (ع) و مراسم اسلامی، شبکه مساجد، روحانیت و... به گونه‌ای هوشیارانه ساخته شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۱۴۵). میشل فوکو^۲ متفکر دیگری است که به هویت اسلامی و شیعی انقلاب ایران اذعان دارد و می‌نویسد: روح انقلاب اسلامی در این حقیقت یافت می‌شود که ایرانی‌ها از خلال انقلاب خود، به دنبال تحول و تغییر در خویش بودند. هدف اصلی آنها ایجاد یک تحول بنیادین در وجود فردی و اجتماعی، حیات اجتماعی و سیاسی و در نحوه تفکر و شیوه نگرش بود. آنان راه اصلاح را در اسلام یافتند؛ اسلام برای آنها هم دوی درد فردی و هم درمان بیماری‌ها و نواقص جمعی بود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۴۹). همچنین فوکو اضافه می‌کند که آن یک حرکت مردمی به تمام معنی بود، نه ائتلاف میان گروه‌ها و سازش میان طبقات (فوکو، ۱۳۷۹: ۶۲).

هویت انقلابی بسیج

بنابراین در پی وقوع انقلاب اسلامی، تحول اساسی و بنیادین در ابعاد داخلی و خارجی و همچنین در عرصه ساختاری، رفتاری، نهادها و سازمان‌ها اتفاق افتاد و جامعه متحول

1. Skach Pool
2. Michel Foucault



ایران در جستجوی انطباق با شرایط جدید، هویتی جدید بر ساخت می نمود؛ هویتی که از بُعد نظری بر اصول تفکری و آموزه‌های اسلامی و از بُعد عملی بر ویژگی‌های تاریخی و تمدن ایرانی، خلق و خوی ایرانی، انسجام قومی و تعلق سرزمینی، شرایط زمان و آرزوهای جدید استوار است.

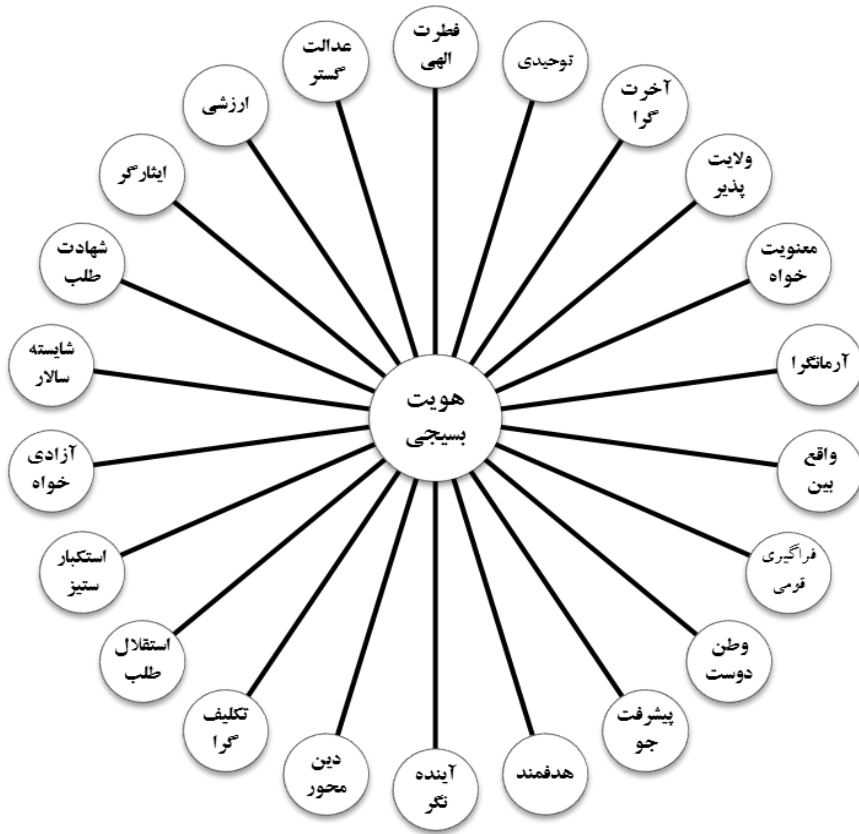
این ترکیب در فرمایشات مقام معظم رهبری تحت عنوان کلی هویت ملی به این صورت تصریح شده است: «... هویت ملی هم که می‌گوییم، ملیت در مقابل دین نیست بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۳۸۵/۸/۱۸).

لذا در سطح ملی و داخلی، یکی از محل‌های ظهور و تجلی «هویت اسلامی-ایرانی و انقلابی» بسیج است. واژه بسیج در فرهنگ آریان‌پور به معنی اسباب، سازوکار و سازمان جنگی و... به کار می‌رود و از لحاظ فرهنگی، بسیج یعنی مشارکت داوطلبانه مردم در عرصه‌های مختلف مذهبی، سیاسی و اجتماعی. بر اساس برداشت نگارنده از متن فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، بسیج عبارت است از: «تشکلی مردمی (برآمده از متن مردم دلسوز)، فراگیر و همه‌جانبه برای حضور و فعالیت در عرصه‌ها و میدان‌های مورد نیاز انقلاب و کشور؛ این تشکل با جذب، آموزش، سازماندهی و به‌کارگیری آحاد مردم از آمادگی لازم برای پاسخگویی به نیازهای پیش روی نظام اسلامی برخوردار می‌باشد». بر اساس این تعریف، عمده‌ترین عرصه‌ها و کارکردهای بسیج عبارتند از: کارکردهای دفاعی و امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سازندگی، علمی و فناوری، زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت که در نهایت باید به کارآمدی نظام اسلامی در تحقق اهداف و همچنین رفع تهدیدات بینجامد.

در این نوشتار، هرگاه از هویت بسیجی استفاده می‌شود، منظور همان هویت برخاسته از انقلاب اسلامی است که توسط امام خمینی (ره) در طول مبارزات و تداوم انقلاب بر ساخت شده است و دارای کارکرد متمایزکننده است. از دیدگاه امام خمینی (ره) این هویت ریشه در ذات و فطرت انسانی دارد و آن را اینگونه توصیف می‌نماید: «بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند...» (امام خمینی، پیام تشکیل بسیج دانشجو و طلبه، ۱۳۶۷/۹/۲).

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های این هویت جمعی (هویت اجتماعی) برآمده از دل انقلاب اسلامی عبارتند از:

طرح (۱) ویژگی‌های هویت بسیجی مبتنی بر قابلیت‌های هویت اسلامی-ایرانی برآمده از انقلاب اسلامی



چار چوب مفهومی

تمامی جوامع بشری در راستای آگاهی شهروندان، به خصوص نسل جوان از کیستی و چیستی خود و پاسخ به آن در قالب سازوکارهای آموزشی، جامعه‌پذیری، مشارکت اجتماعی و تقویت حافظه اجتماعی این امکان را تسهیل می‌کنند؛ به عبارتی خود را مکلف به انتقال هویت گذشته می‌دانند یا به صورت آشکار و به شیوه‌های مختلف، تلاش در هویت‌سازی و هماهنگی عناصر و ابعاد هویت خود دارند؛ به همین منظور، گاه فرد را به تمدن کهن و مؤلفه‌های تاریخی، اندوخته‌های فرهنگی و میراث ادبی، افتخارات و رویدادها، سرزمین و گستره جغرافیایی، دین و مذهب، علم و دانش، نظام سیاسی و شهروندی، هویت ارجاع می‌دهند یا با تکیه بر چشم‌اندازهای بلند چگونگی بودن و چه کسی شدن را در بسته هویتی افراد معنی و تلاش می‌کنند ترکیبی از هویت بین نسلی برای جامعه ترسیم و ارائه نموده و بر همین قاعده، به تحکیم عناصر و ابعاد هویت فردی و اجتماعی کمک کنند.



بنابراین هویت:

۱. از نظر زمانی معطوف به گذشته، حال و آینده می‌باشد.
۲. از حیث دامنه نفوذ و گستره مفهومی فردی و همچنین اجتماعی (جمع‌ی) است.
۳. از نظر ترکیب و عناصر تشکیل دهنده می‌تواند تمامی عرصه‌های زیست اجتماعی را در بر بگیرد؛ یعنی هم به تاریخ و تعلق تمدنی و میراث تاریخی مربوط می‌شود، هم فرهنگ و دین را شامل می‌گردد و هم سیاست و الگوهای اداره امور اجتماعی، الگوهای معیشت، مصرف و تولید و در نهایت انتظارات، آرمان‌ها و چشم‌انداز مطلوب را در خود دارد.

۴. از نظر ارتباطی نیز می‌تواند دایره خانوادگی، قومی-قبیله‌ای، همشهری (شیرازی و...)، هموطنی (ایرانی)، هم‌کیشی (هم‌دینی و هم‌آیینی) و هم‌منطقه‌ای (آسیایی و...) و هم‌نوعی (جهانی) را در بر بگیرد.

مراد ما از هویت در این مقاله، هویت به معنی هویت فردی و به عنوان یک خصیصه شخصیتی نیست بلکه هویت را در سطح ملی به کار می‌بریم و منظور ما از هویت ملی: عبارت از آگاهی، احساس تعلق و آمادگی دفاع از یک جامعه و ملت خاص در مقابل و مقایسه با دیگران است. هویت ملی، بالاترین سطح هویت است. در واقع، تعلق یک فرد را به یک جامعه ملی یا دولت nation-state مشخص می‌کند. علاوه بر این، هویت ملی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «هویت ملی عبارت است از هویتی جمعی که بر تشابه منظم و معنی‌دار بین گروهی از افراد به نام ملت در چارچوب یک سرزمین و یک دولت ملی مشخص و با ارزش‌ها و اعتقادات دینی متمایز از ملت‌های دیگر مبتنی است» (قنبری، ۱۳۸۲: ۴۵).

همچنین مقام معظم رهبری تعبیری جامع و کلان از هویت ملی دارند و می‌فرمایند: «... هویت ملی هم که می‌گوییم، ملیت در مقابل دین نیست بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست. یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مؤمن و یک ملت معتقد به پاکان درگاه الهی و اهل بیت پیغمبر است؛ این جزو فرهنگ و هویتشان است؛ هویت ملی که می‌گوییم، شامل همه اینها هست؛ اینها را حفظ کنیم... (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۳۸۵/۸/۱۸). مقام معظم رهبری به طور مشخص ذیل مباحث و محتوای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و تحول، در بخش‌های مکرر، ابعاد و اجزای این هویت را اسلامی-ایرانی و انقلابی می‌دانند که در نتیجه و نسبت با انقلاب اسلامی تکامل یافته است.

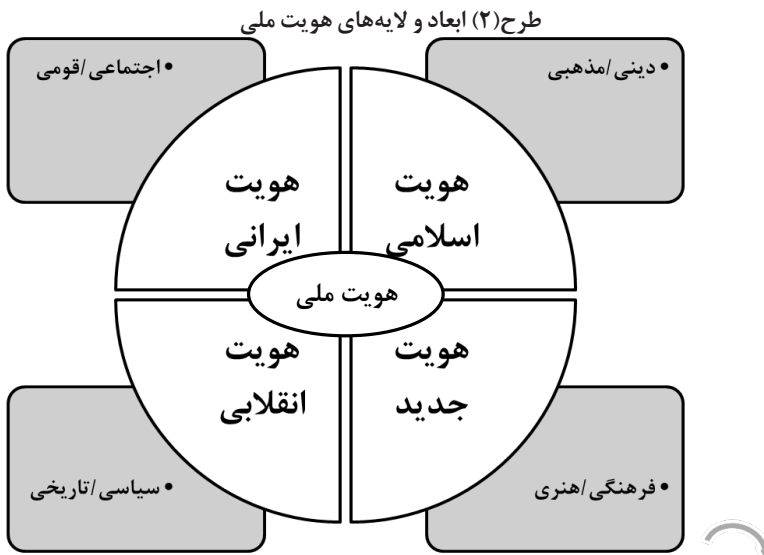
هویت ملی در این تحقیق از ابعاد سه‌گانه ایرانی (با منسوب به ملیت و تمدن



ایرانی)، **اسلامی** (منسوب به فرهنگ، باورها و اعتقادات، آیین، شعائر و هنجارهای دین اسلام و مذهب تشیع در وجه غالب)، **انقلابی** (ارزش‌ها، الگوها و رفتارهای ایجاد شده در بعد از انقلاب اسلامی در ایران، دفاع مقدس، بسیج و آرمان‌های امام خمینی و...) تشکیل شده است.

حال با توجه به ملاحظات فوق در مطالعه هویت ملی جوان ایرانی، می‌توان هویت ملی را به عنوان یک بسته و ترکیب در نظر گرفت که هر کدام از ابعادش خود واجد اجزا، عناصر و ویژگی‌هایی است که در یک رابطه منطقی و معنی‌دار، هویت ملی جوان ایرانی را تشکیل می‌دهند.

علاوه بر این، هویت بسیجی به عنوان مبنای این مطالعه، خود یک هویت ترکیبی و برخاسته از لایه‌های مختلف هویتی جامعه است - و تقریباً کسانی ذیل این هویت قرار می‌گیرند که میانگین تمامی عناصر و لایه‌های هویت ملی را در حد قابل قبولی کسب کرده یا دارند و سوگیری خاصی آنگونه که برخی محققان^۱ به آن اشاره کرده‌اند، ندارند- که در این مطالعه در پی همسازی و تحکیم عناصر درونی آن هستیم، بر همین اساس شناخت ابعاد، لایه‌ها، عناصر و ویژگی‌های آن، قبل از هر چیزی لازم است. این مراحل انباشتگی هویت را می‌توان در طرح زیر مشاهده کرد.



۱ نتایج تحقیق عبداللهی، حاجبانی، قیصری، حسین بر نشان داده‌اند که هویت جمعی در میان اقوام و ایلات ایران، مرز نشینان، اعراب و بلوچ‌ها نسبت به شاخص کل هویت پایین یا کمتر است. به عبارتی، گرایش و تعلق به هویت قومی در این گروه‌ها بیش از گرایش به هویت ملی است.



در مطالعه هویت ملی از نظر تعامل و عکس‌العمل هر فرد به ابعاد و عناصر فوق توجه و تأکید به جنبه‌های سه‌گانه ۱- شناختی (آگاهی) ۲- عاطفی (احساس تعلق) ۳- رفتاری (تعهد و آمادگی عمل) می‌تواند در چگونگی ورود و دخالت بسیج در هویت‌سازی بسیار مهم باشد؛ از این نظر که باید معلوم شود اثربخشی فعالیت بسیج باید بر جنبه‌های شناختی و ارتقای آگاهی نسل جوان از هویت ملی باشد یا ترمیم و ارتقای احساسات و عواطف در حوزه هویت ملی یا برعکس بسیج می‌خواهد یا مناسب است بر توسعه رفتار در حوزه شاخصه‌ها، لایه‌ها و ویژگی‌های هویت ملی نقش بپذیرد. علاوه بر این، در چارچوب جستجوی نقش بسیج در تحکیم هویت ملی در کنار سایر عوامل و منابع هویت‌ساز، از جمله خانواده، نهادها، مدرسه و دانشگاه، رسانه‌ها، دوستان، گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی^۱ به عنوان یک گروه داوطلبانه و مسئول در حوزه فرهنگ عمومی باید این امکان را فراهم نماید که فرد در هنگامه عمل در ذیل ترکیب هویت ملی بتواند جایگاه خود را در حوزه‌های تعامل با محیط و برداشت کلی از زندگی اجتماعی تقویت شده بیابد و به راحتی آن را بازگو نماید؛ که عبارتند از:

۱- ارتباط با گذشته تاریخی، فرهنگی، شخصیتی، تمدنی، سرزمینی و...

۲- ارتباط با خدا و مقدسات و ماوراء الطبیعه

۳- ارتباط با زندگی اجتماعی و رابطه با دیگران و تعلق به جامعه ملی و جمعی...

۴- ارتباط با نحوه اداره جامعه، دولت، نهادها، نظام سیاسی و...

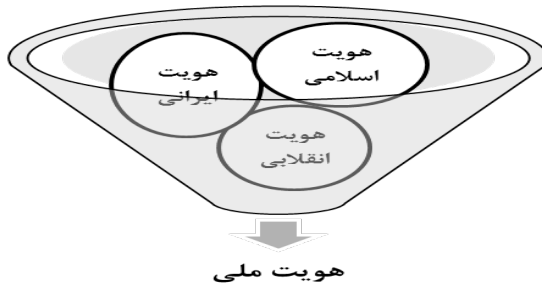
۵- نگرش به آینده و امکان خویش‌شناسی در تحولات و تغییرات اجتماعی پیرامون، آرمان‌ها و مطلوب‌ها، انتظارات، چشم‌اندازها (اینکه می‌خواهیم چه باشیم) و...

گذشته‌نگری در موضوع هویت ملی نشان می‌دهد که بعد از ورود دین مقدس اسلام به ایران، هویت ایرانی قالبی جدید به خود گرفت؛ به طوری که در محتوا و انعکاس آن، بُعد اسلامیت و ایرانیت با هم پیوند خورده است و درخشش خاص خود را دارد. این در حالی است که حوادث بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و احیای تفکر سیاسی شیعه در مسئله مدیریت و اداره جامعه بر غنای این هویت افزود و تفکر و منش انقلابی، تحول خواهی و آرمان‌گرایی و آینده‌نگری و غایت‌اندیشی هویت اسلامی و ایرانی را بارورتر نمود و پیوندی عمیق‌تر بین لایه ایرانی هویت (جنبه توصیفی) و اندیشه ترقی‌خواهانه اسلامی (جنبه تجویزی) ایجاد نمود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، جوان ایرانی در کنار بازگویی خود به عنوان یک ایرانی و مسلمان، خود را آرمان‌گرای انقلابی نیز می‌داند.

برایند کلی مباحث هویت ملی نشان می‌دهد که ترکیب زیر برای هویت ملی قابل

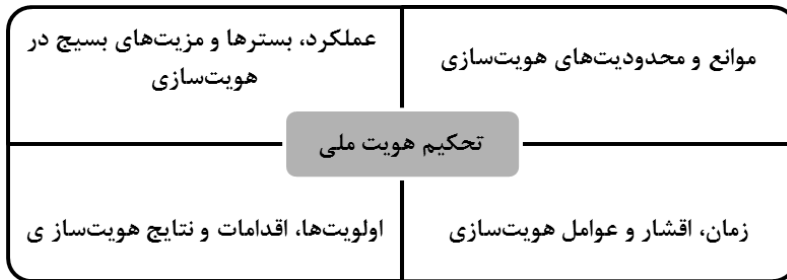


تحقیق و تبیین است و در این پژوهش تلاش شده است فرایند نقش آفرینی بسیج در تحکیم بخشی به هویت ملی از این ترکیب بهره ببرد، لذا سه بُعد اسلامی-ایرانی و انقلابی برای هویت ملی قائل است.



بر اساس جمع‌بندی صورت گرفته، ابعاد سه‌گانه فوق مبنای ساخت پرسشنامه دلفی قرار گرفت. رویکرد چهارگانه در سه بُعد هویت ملی «هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت انقلابی» علاوه بر ارزیابی کلی وضعیت مؤلفه‌ها و عناصر هویت ملی، بر اساس این مدل ۳۴ عنصر اصلی در قالب گزاره‌های علمی با ۱۴ شاخص برای تبیین نقش‌های عملکردی و مورد انتظار بسیج در خصوص تحکیم و تقویت هویت ملی از خبرگان مورد پرسش قرار گرفت و بعد از اجرای دلفی، اطلاعات به دست آمده تحلیل و تبیین و در ادامه این نوشتار، کلیات نتایج به تفکیک بازگو شده است.

طرح (۳) مدل نهایی نقش آفرینی بسیج در تحکیم و تقویت هویت ملی



روش‌شناسی

این مطالعه با استفاده از روش تحقیق آمیخته و ترکیبی (تحقیق اسنادی و روش دلفی) و در دو مرحله انجام شده است:

الف) روش کتابخانه‌ای و اسنادی؛ در این مرحله با مرور آثار و بررسی متون و اسناد و کتاب‌ها و مقالات منتشر شده، ابعاد، شاخصه‌ها، مؤلفه‌ها و عناصر بنیادین هویت ملی (ایرانی، دینی و انقلابی) استخراج و دسته‌بندی شد.



ب) روش دلفی؛ برای تبیین نقش بسیج در تحکیم هویت ملی، ضمن تعیین و اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی، با استفاده از روش دلفی راهکارها به تفکیک ابعاد و عناصر، اجزاء و مؤلفه‌های اصلی در پرسشنامه خبرگان ارزیابی و ارائه شد. در مجموع برای دستیابی به اطلاعات دو دور پیمایش دلفی انجام شد:

۱. دلفی اول؛ با طراحی پرسشنامه اولیه و تشکیل پنل تخصصی از خبرگان و استفاده از نظرات خبرگان به تعیین و استخراج مؤلفه‌ها و عناصر هویت ملی و شناسایی خبرگان مسلط اختصاص داشت.

۲. دلفی دوم؛ به صورت اجرای پرسشنامه نهایی و با استفاده از گروه خبرگان مسلط (داخل و خارج بسیج) به تعیین و استخراج وضعیت، ابعاد، مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها و اقدامات مناسب نقش‌آفرینی بسیج به صورت کلی و به تفکیک اقشار فعال و مؤثر در این حوزه (شامل بسیج اساتید، مهندسين، دانشجویی، دانش‌آموزان و فرهنگیان، ورزشکاران، طلاب، هنرمندان، مساجد و محلات) و همچنین رده‌های ستادی و سازمان‌های وابسته به بسیج (شامل معاونت فرهنگی و اجتماعی بسیج، نیروی انسانی، بسیج سازندگی، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات و سازمان بسیج علمی، پژوهشی و فناوری).

ابزار سنجش در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته (پرسشنامه دلفی) بوده است.^۱

ابعاد هویت ملی	عناصر	گزاره‌ها	تخصص	اهمیت	زمان	عوامل	جمعا ۴۱ متغیر بررسی شده
بُعد اسلامی	عنصر ۱۷-۱	گزاره ۱۷-۱
بُعد ایرانی	عنصر ۱۶-۱	گزاره ۱۶-۱					
بُعد انقلابی	عنصر ۱۸-۱	گزاره ۱۸-۱					

۱- پرسشنامه اول؛ تفکیک شاخص‌ها و تکمیل مولفه‌ها و اجزاء هویت ملی به تفکیک ابعاد و عناصر سه‌گانه. پرسشنامه دوم؛ اولویت‌بندی ابعاد و عناصر هویت ملی به تفکیک هویت‌های سه‌گانه ایرانی، اسلامی و دینی در هویت‌یابی نسل جوان، متناسب با نظرات خبرگان شرکت‌کننده در جلسه دلفی و همچنین آسیب‌شناسی هویت ملی نسل جوان، عوامل و منابع هویت‌یابی از دیدگاه خبرگان. بنابراین پرسشنامه نهایی؛ شامل ۴ پرسشنامه مجزا به صورت زیر می‌باشد.

۱. پرسشنامه عمومی؛ که به بررسی دیدگاه‌ها و ارزیابی خبرگان از وضعیت عناصر و ترکیب هویت ملی در وضعیت کنونی پرداخته است (فرمت پرسشنامه‌های معمولی تحقیقات پیمایشی).

۲. سه پرسشنامه اختصاصی برای سنجش ابعاد هویت ملی (بُعد اسلامی، بُعد ایرانی، بُعد انقلابی هویت ملی)، بررسی راهکارها، اقدامات، موانع و عوامل، مزیت‌ها، بسترها، نتایج و زمان و اقشار مناسب برای نقش‌آفرینی بسیج در تحکیم هویت ملی (فرمت پرسشنامه‌های دلفی)



جامعه آماری این تحقیق شامل خبرگان و صاحب‌نظران موضوعی (۳۰ نفر که در جلسات پنل (پانل) و تحلیل دلفی مشارکت داده شده‌اند و نظرات آنان در محورهای اصلی بحث مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت) و شامل سه گروه (گروه اول ۱۰ نفر از استادان و پژوهشگران آشنا به مسائل و ابعاد هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی. گروه دوم ۱۰ نفر از مسئولان و کاربران قشری بسیج. گروه سوم ۱۰ نفر از خبرگان آگاه به مسائل جوانان و فعالان این حوزه).

یافته‌های تحقیق

۱. از مجموع متخصصان شرکت‌کننده در دلفی ۸۲٫۴٪ دارای تحصیلات دکتری، ۷۶٫۵٪ دارای تخصص علمی-آموزشی و پژوهشی، همچنین ۸۲٫۴٪ دارای سابقه عضویت در بسیج هستند، ۷۰٫۶٪ در حد زیاد و خیلی زیاد با بسیج آشنا می‌باشند و ۲۹٫۴٪ نیز میزان آشنایشان متوسط است.
۲. مقایسه لایه‌های هویت ملی؛ لایه اسلامی (دین اسلام، مذهب تشیع و ارزش‌های اسلامی) با میانگین رتبه ۳٫۵ و لایه ایرانی (فرهنگی، سرزمین و تمدن ایران باستان و قدیم) با میانگین رتبه ۲٫۷ و لایه قومی (اقوام، قبایل و گروه‌های ایرانی) با میانگین رتبه ۲٫۲ و لایه جدید (ارزش‌ها و نمادهای فرهنگ غربی و سایر ملل) با میانگین رتبه ۱٫۵ به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین لایه هویت ملی ایرانی-اسلامی را تشکیل می‌دهد.
۳. وضعیت تعامل لایه‌های هویت ملی؛ نتایج به دست آمده از تحلیل میانگین رتبه نظرات خبرگان در مورد وضعیت تعامل عناصر مختلف هویت ملی (ایرانی-اسلامی) نشان می‌دهد که بالاترین رتبه برابر با ۳٫۶۹ مربوط به «همسازی، پیوند و هماهنگی درونی و انباشتگی معنی‌دار» لایه‌های هویت ملی است و کمترین رتبه برابر با ۱٫۹۶ مربوط به «افتراق و جدایی لایه‌های هویت ملی» است.
۴. امکان همسازی و هماهنگی عناصر هویت ملی؛ بالاترین امکان همسانی و همسازی برابر با ۶٫۱۶ برای عناصر «آینده‌نگری و آرمان‌خواهی» بیان شده است و همچنین برای عناصر «ارزش‌های اخلاق و انسانی» و کمترین میزان همسانی با میانگین رتبه ۳٫۹۷ برای «زبان و نژاد» است.
۵. نتایج مقایسه میزان قوت لایه‌های مختلف هویت ملی در دو بُعد ایرانی و اسلامی نشان می‌دهد که اکثر نخبگان بر این باورند که در وضعیت کنونی در ترکیب هویت ملی، لایه اسلامی با میانگین ۲٫۲ در حد متوسط، بیشتر از لایه ایرانی با



میانگین ۱,۹ می باشد. بر اساس نظر خبرگان در رویکرد بسیج در حوزه هویت ملی، غلبه بارویکرد اسلامی و تأکید بر عناصر و مؤلفه‌های اسلامی و دینی است.

جدول (۳) توزیع عناصر مختلف هویت ملی در دو لایه اسلامی و ایرانی یا مشترک

عناصر اختصاصاً ایرانی و مشترک	عناصر اختصاصاً اسلامی و مشترک	عناصر کاملاً مشترک
۱. زبان و گویش مادری ۲. قلمرو سرزمینی ۳. آثار باستانی و تاریخی ۴. همشهری و هم‌محلی‌ها ۵. اسطوره‌ها ۶. نمادها، سمبل‌ها و کتیبه‌های تاریخی ۷. خویشتاندان ۸. فرهنگ و منش باستانی ۹. ارزش‌های مادی	۱. نمادهای مذهبی ۲. رهبران دینی و مذهبی ۳. آیین‌های مذهبی و بومی	۱. قهرمانان و شخصیت‌ها ۲. قوم و قبیله ۳. اعیاد و جشن‌ها ۴. معارف دینی ۵. هم‌کیشان و هم‌مذهبان ۶. هم‌نوعان ۷. فرهنگ و منش دینی ۸. جنگ‌ها و پیروزی‌ها ۹. شکست‌ها و تلخی‌ها ۱۰. آداب و رسوم ۱۱. تاریخ گذشته ۱۲. ارزش‌های انسانی و اخلاقی ۱۳. ارزش‌های الهی و معنوی ۱۴. هم‌وطنان ۱۵. ماتم و سوگواری

نتایج به دست آمده از اهمیت ابعاد سه‌گانه هویت در نسبت با افراد (پاسخگویان) نشان می‌دهد که در همه ویژگی‌های اعلام شده برای هویت ملی (ایرانی و اسلامی) میزان احساس تعلق و عاطفه نسبت به هویت ملی، بیش از میزان تعهد و آمادگی دفاع (رفتار) می‌باشد و همچنین میزان تعهد و رفتار بیش از آگاهی و شناخت نسبت به عناصر هویت ملی است.

احساس تعلق و عاطفه < میزان تعهد و رفتار > آگاهی و شناخت = وضعیت کنونی

این تفاوت‌ها در چهار عنصر زیر در سطح ۹۵٪ معنی‌دار است:

۱. زبان و نژاد
۲. قلمرو سرزمینی
۳. آثار باستانی و تاریخی
۴. هم‌محلی و همشهری



بُعد اسلامی هویت ملی

۱. میزان تخصص پاسخگویان در خصوص گزاره‌های طرح شده نقش بسیج در هویت اسلامی «متوسط و بالاتر» می‌باشد، صرفاً در دو گزاره «موسیقی و نغمه‌های اسلامی» و «ورزش و جنبش» میزان تخصص آنان «کم» است.
۲. میزان اهمیت عناصر و گزاره‌های طرح شده برای تقویت بُعد اسلامی هویت در حد «متوسط و زیاد» می‌باشد.
۳. مناسب‌ترین زمان اقدام برای تقویت هویت اسلامی، لحاظ کردن ترکیب گروه‌های مختلف سنی است. سایر مقاطع به ترتیب عبارتند از: مقطع سنی جوانی، نوجوانی و کودکی.
۴. مناسب‌ترین قشر برای تقویت هویت اسلامی، ترکیب همه اقشار است. سایر اقشار به ترتیب عبارتند از: دانش‌آموزی، طلاب، دانشجویی، محلات، اساتید و هنرمندان.
۵. مهم‌ترین محدودیت‌های پیش روی نقش‌آفرینی بسیج در تقویت هویت اسلامی عبارتند از: محدودیت عضویت و فعالیت، غلبه فعالیت‌های نظامی، کمبود منابع (مالی) و عدم اعتقاد مدیران.
۶. مهم‌ترین بستر برای نقش‌آفرینی بسیج در تقویت هویت اسلامی، ترکیب همه بسترهای موجود است. سایر موارد به ترتیب عبارتند از: مساجد و هیئات مذهبی، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی و گردشگری.
۷. بیشترین فراوانی در ارزیابی عملکرد بسیج در مقایسه با سایر سازمان‌ها و نهادها در تقویت بُعد اسلامی هویت ملی در حد «متوسط و بالاتر» است. فقط در دو عنصر و گزاره «موسیقی و نغمه‌های اسلامی» و «هنر و معماری اسلامی» عملکرد بسیج «بی‌ارتباط» ارزیابی شده است.
۸. مهم‌ترین نتایج مورد انتظار نقش‌آفرینی بسیج در تقویت بُعد اسلامی هویت ملی در درجه اول ترکیب همه نتایج است. به ترتیب بیشترین موارد تکرار عبارتند از: انسجام ملی، انسجام دینی، انسجام اقوام، توسعه اقتصادی، امنیت و آسایش، شادی و نشاط.
۹. مهم‌ترین اقدامات مؤثر بسیج در تقویت بُعد اسلامی هویت ملی، اقدام بر اساس ترکیب همه اقدامات است. سایر اقدامات به ترتیب عبارتند از: آموزش و آگاهی‌بخشی، همکاری با دیگران، فعالیت‌های عملی، توسعه زیرساخت، ارزیابی و نظارت، تخصیص منابع.



۱۰. مهم‌ترین اولویت‌های بسیج در تقویت بُعد اسلامی هویت ملی به ترتیب عناصر اصلی هویت عبارتند از: افزایش شناخت و آگاهی، تقویت احساس و عواطف، تقویت تعهد و رفتار.
۱۱. مزیت‌ها و امتیازات بسیج در تقویت بُعد اسلامی هویت ملی بهره‌گیری از ترکیب همه مزیت‌هایی باشد و بیشترین موارد به ترتیب عبارتند از: پراکندگی و گستره، مخاطبان جوان، فراقومی و فراجناحی، ماهیت انقلابی.
۱۲. مهم‌ترین موانع پیش روی نقش‌آفرینی بسیج در تقویت بُعد اسلامی هویت ملی عبارتند از: ضعف نهادها، ضعف مدیریت، تهاجم فرهنگی غرب، فرقه‌گرایی.
۱۳. مهم‌ترین عوامل در تقویت بُعد اسلامی هویت ملی بهره‌گیری از ترکیب همه عوامل است. سایر عوامل به ترتیب عبارتند از: مدرسه، رسانه‌ها و مطبوعات.
۱۴. مهم‌ترین حرکت‌های هویت‌ساز بسیج، ترکیب همه حرکت‌های هویت‌ساز است. سایر حرکت‌ها عبارتند از: جهاد علمی، کمک به ایجاد امنیت، کمک به استکبارستیزی، دفاع مقدس، حرکت‌های جهادی و سازندگی.
۱۵. نتایج ایفای نقش بسیج در تحکیم و تقویت بُعد اسلامی هویت ملی در ۹ عنصر از عناصر هفده‌گانه در خصوص اولویت اقدام برای «افزایش آگاهی، تقویت احساس و عاطفه و تقویت تعهد و رفتار» بر اساس نتایج آزمون فریدمن متفاوت و معنی‌دار است.
۱۶. نتایج موانع ایفای نقش بسیج در تحکیم و تقویت بُعد اسلامی هویت ملی در ۶ عنصر از عناصر و گزاره‌های هفده‌گانه در خصوص اولویت اقدام برای «رفع ضعف مدیریت، ضعف نهادها، تهاجم فرهنگی، فرقه‌گرایی» بر اساس نتایج آزمون فریدمن متفاوت و معنی‌دار است.

بُعد ایرانی هویت ملی

۱. میزان تخصص پاسخگویان در رابطه با گزاره‌های طرح شده «متوسط و بالاتر» بوده، صرفاً در دو گزاره «هنر و معماری ایرانی» و گزاره «موسیقی و آواز ایرانی» میزان تخصص آنان «کم» می‌باشد.
۲. میزان اهمیت عناصر و گزاره‌های طرح شده برای تقویت بُعد ایرانی هویت در حد «متوسط و زیاد» است.
۳. مناسب‌ترین زمان اقدام برای تقویت هویت ایرانی، لحاظ کردن ترکیب گروه‌های مختلف سنی است. سایر مقاطع به ترتیب عبارتند از: مقطع سنی کودکی، نوجوانی، جوانی.



۴. مناسب‌ترین قشر برای تقویت بُعد هویت ایرانی، ترکیب همه اقشار است. سایر اقشار به ترتیب عبارتند از: دانش‌آموزی، دانشجویی، محلات، هنرمندان.
۵. محدودیت‌های پیش روی نقش‌آفرینی بسیج در تقویت هویت ایرانی عبارتند از: محدودیت عضویت و فعالیت، عدم اعتقاد مدیران، غلبه فعالیت‌های نظامی، کمبود منابع (مالی).
۶. مهم‌ترین بستر برای نقش‌آفرینی بسیج در تقویت هویت ایرانی، ترکیب همه بسترهای موجود است. سایر موارد به ترتیب عبارتند از: مساجد و هیئات مذهبی، مراکز فرهنگی و گردشگری، دانشگاه‌ها و مدارس.
۷. عملکرد بسیج در مقایسه با سایر سازمان‌ها و نهادها در تقویت بعد ایرانی هویت ملی در حد «متوسط» است و در عناصر و گزاره‌های «موسیقی و نغمه‌های ایرانی، هنر و معماری ایرانی، شیوه تولید و اقتصاد ایرانی، حکمرانی ایرانی»، عملکرد بسیج «بی‌ارتباط» ارزیابی شده است.
۸. نتایج مورد انتظار نقش‌آفرینی بسیج در تقویت بُعد ایرانی هویت ملی، در درجه اول ترکیب همه نتایج است. سایر موارد به ترتیب عبارتند از: انسجام ملی، انسجام اقوام، توسعه اقتصادی، شادی و نشاط، امنیت و آسایش.
۹. مهم‌ترین اقدامات مؤثر بسیج در تقویت بُعد ایرانی هویت ملی، ترکیب همه اقدامات است. بیشترین موارد به ترتیب عبارتند از: آموزش و آگاهی‌بخشی، همکاری با دیگران، فعالیت‌های عملی، توسعه زیرساخت، ارزیابی و نظارت.
۱۰. مهم‌ترین اولویت‌های بسیج در تقویت بُعد ایرانی هویت ملی به ترتیب عناصر اصلی هویت عبارتند از: افزایش شناخت و آگاهی، تقویت احساس و عواطف، تقویت تعهد و رفتار^۱.
۱۱. مزیت‌ها و امتیازات بسیج در تقویت بُعد ایرانی هویت ملی بهره‌گیری از ترکیب همه مزیت‌ها می‌باشد و بیشترین موارد به ترتیب عبارتند از: پراکندگی و گستره، مخاطبان جوان، ماهیت انقلابی، فراقومی.
۱۲. موانع پیش روی نقش‌آفرینی بسیج در تقویت بُعد ایرانی هویت ملی عبارتند از: ضعف نهادها، ضعف مدیریت، تهاجم فرهنگی غرب، فرقه‌گرایی.
۱۳. مهم‌ترین عوامل در تقویت بُعد ایرانی هویت ملی، بهره‌گیری از ترکیب همه

۱- به عنوان مثال، چند درصد از جوانان مامی داندن برخی از مشاهیر ایران زمین که نام و وصف آنها را بسیار شنیده‌اند در خارج از خاک فعلی وطن آرمیده‌اند، آیا می‌دانند ناصر خسرو قبادیانی، سنایی، ابوریحان بیرونی و خواجه عبدالله انصاری در کشور افغانستان. مولانا در ترکیه. سهروردی در سوریه، نظامی گنجوی در جمهوری آذربایجان. رودکی در تاجیکستان و ابوسعید ابوالخیر در ترکمنستان و سرزمین کهن و مادریشان که وسعتی در حد یک قاره دارد پذیرای فرهیختگان ادبی و علمی ایران زمین است (روزنامه جام جم، شماره ۱۳۹۲، ۱۱۰، ۴).



عوامل می‌باشد. سایر عوامل به ترتیب عبارتند از: NGOهای خودجوش، رسانه‌ها و مطبوعات، مدرسه، خانواده و والدین.

۱۴. مهم‌ترین حرکت‌های هویت‌ساز بسیج در تقویت بعد ایرانی هویت ملی، ترکیب همه حرکت‌های هویت‌ساز است. سایر حرکت‌های هویت‌ساز عبارتند از: جهاد علمی، کمک به ایجاد امنیت، استکبارستیزی، دفاع مقدس، حرکت‌های جهادی و سازندگی.

۱۵. ایفای نقش بسیج در تحکیم و تقویت بُعد ایرانی هویت ملی در ۶ عنصر شامل «افزایش آگاهی، تقویت احساس و عاطفه و تقویت تعهد و رفتار» بر اساس نتایج آزمون فریدمن متفاوت و معنی‌دار است.

۱۶. موانع ایفای نقش بسیج در تحکیم و تقویت بُعد ایرانی هویت ملی در ۳ عنصر شامل اقدام برای رفع «ضعف مدیریت، ضعف نهادها، تهاجم فرهنگی، فرقه‌گرایی» بر اساس نتایج آزمون فریدمن متفاوت و معنی‌دار است.

۱۷. محدودیت‌های ایفای نقش بسیج در تحکیم و تقویت بُعد ایرانی هویت ملی، در ۶ عنصر شامل «عدم اعتقاد مدیران، محدودیت عضویت و فعالیت، غلبه وجهه نظامی، کمبود منابع» بر اساس نتایج آزمون فریدمن متفاوت و معنی‌دار است.

بُعد انقلابی هویت ملی

۱۸. میزان تخصص پاسخگویان در رابطه با گزاره‌های طرح شده در رابطه با هویت انقلابی، «متوسط و بالاتر» است.

۱۹. میزان اهمیت عناصر و گزاره‌های طرح شده برای تقویت بُعد انقلابی هویت در حد «متوسط و زیاد» است.

۲۰. مناسب‌ترین زمان اقدام برای تقویت بُعد انقلابی هویت ملی لحاظ کردن ترکیب گروه‌های مختلف سنی است. سایر مقاطع به ترتیب عبارتند از: دو گروه سنی نوجوانی، جوانی.

۲۱. مناسب‌ترین قشر برای تقویت بُعد انقلابی هویت ملی، ترکیب همه اقشار است. سایر اقشار به ترتیب عبارتند از: طلاب، دانشجویی، محلات، دانش‌آموزان و اساتید.

۲۲. محدودیت‌های پیش روی نقش‌آفرینی بسیج در تقویت بُعد انقلابی هویت ملی عبارتند از: محدودیت عضویت و فعالیت، کمبود منابع (مالی)، غلبه فعالیت‌های نظامی، عدم اعتقاد مدیران اعلام شده است.

۲۳. مهم‌ترین بستر برای نقش‌آفرینی بسیج در تقویت بُعد انقلابی هویت ملی، ترکیب



- همه بسترهای موجود است، سایر موارد به ترتیب عبارتند از: مساجد و هیئات مذهبی، دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی و گردشگری اعلام شده است.
۲۴. عملکرد بسیج در مقایسه با سایر سازمان‌ها و نهادها در تقویت بُعد انقلابی هویت ملی «مستقیم و زیاد» ارزیابی شده است.
۲۵. مهم‌ترین نتایج مورد انتظار نقش‌آفرینی بسیج در تقویت بُعد انقلابی هویت ملی در درجه اول ترکیب همه نتایج اعلام شده است، سایر موارد به ترتیب عبارتند از: انسجام ملی، انسجام دینی، شادی و نشاط.
۲۶. اقدامات مؤثر بسیج در تقویت بُعد انقلابی هویت ملی، ترکیب همه اقدامات است، بیشترین موارد عبارتند از: آموزش و آگاهی‌بخشی، فعالیت‌های عملی، همکاری با دیگران، ارزیابی و نظارت، تخصیص منابع.
۲۷. اولویت‌های بسیج در تقویت بُعد انقلابی هویت ملی به ترتیب عناصر اصلی هویت عبارتند از: افزایش شناخت و آگاهی، تقویت احساس و عواطف، تقویت تعهد و رفتار.
۲۸. مزیت‌ها و امتیازات بسیج در تقویت بُعد انقلابی هویت ملی بهره‌گیری از ترکیب همه مزیت‌ها می‌باشد و بیشترین موارد عبارتند از: پراکندگی و گستره، ماهیت انقلابی، مخاطبان جوان.
۲۹. موانع پیش روی نقش‌آفرینی بسیج در تقویت بُعد انقلابی هویت ملی عبارتند از: ضعف نهادها، تهاجم فرهنگی غرب، ضعف مدیریت و فرقه‌گرایی.
۳۰. مهم‌ترین عوامل تقویت بُعد انقلابی هویت ملی بهره‌گیری از ترکیب همه عوامل است. سایر عوامل به ترتیب عبارتند از: رسانه‌ها و مطبوعات، مدرسه، احزاب و گروه‌های مرجع.
۳۱. حرکت‌های هویت‌ساز بسیج، ترکیب همه حرکت‌های هویت‌ساز است. سایر حرکت‌ها عبارتند از: جهاد علمی، کمک به ایجاد امنیت، دفاع مقدس، کمک به استکبارستیزی، حرکت‌های جهادی و سازندگی.
۳۲. نتایج ایفای نقش بسیج در تحکیم و تقویت بُعد ایرانی هویت ملی در ۲ عنصر از عناصر هجده‌گانه شامل «افزایش آگاهی، تقویت احساس و عاطفه و تقویت تعهد و رفتار» می‌باشد، بر اساس نتایج آزمون فریدمن متفاوت و معنی‌دار است.
۳۳. موانع ایفای نقش بسیج در تحکیم و تقویت بُعد ایرانی هویت ملی در ۲ عنصر از عناصر و گزاره‌های هجده‌گانه در خصوص اولویت اقدام برای رفع «ضعف مدیریت، ضعف نهادها، تهاجم فرهنگی، فرقه‌گرایی» بر اساس نتایج آزمون فریدمن متفاوت و معنی‌دار است.



۳۴. محدودیت‌های ایفای نقش بسیج در تحکیم و تقویت بُعد ایرانی هویت ملی در ۳ عنصر از عناصر و گزاره‌های هجده‌گانه در خصوص اولویت‌های اقدام برای رفع محدودیت‌های «عدم اعتقاد مدیران، محدودیت عضویت و فعالیت، غلبه و جهه نظامی، کمبود منابع» براساس نتایج آزمون فریدمن متفاوت و معنی‌دار است.

نتیجه‌گیری

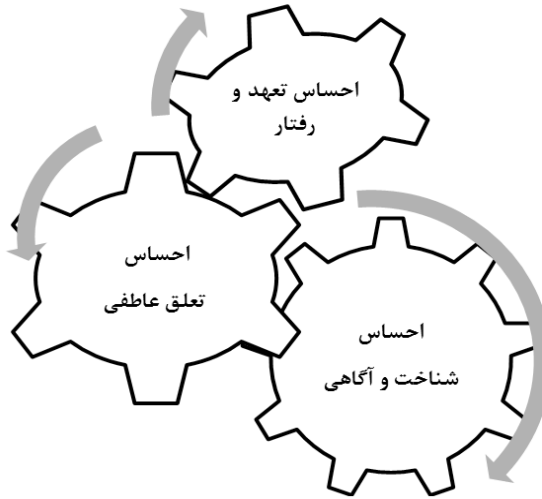
نتایج بررسی سوابق موضوع و گفتمان‌های جاری در ادبیات هویت ملی در ایران نشان می‌دهد که به طور کلی سه لایه (عنصر) کلی برای هویت ملی می‌توان در نظر گرفته که عبارت است از:

۱. آگاهی و شناخت از ماهیت، محتوی، ابعاد، عناصر، مؤلفه و ویژگی‌های هویت ملی، لایه‌ای که افراد می‌توانند بر اساس شناختی که از گذشته و حال آن به دست می‌آورد، چیستی و کیستی خود را بدانند و معرفی نماید.

۲. احساس تعلق عاطفی جانبدارانه و نگرش مثبت نسبت به ماهیت، محتوی، ابعاد، عناصر مؤلفه و ویژگی‌های هویت ملی، لایه‌ای که افراد می‌توانند در نسبت با آن به احساس خوشایند و مثبتی دست یابند و به آن افتخار نموده یا به آن ببالند و موجودیت آن را متعلق به خود بدانند.

۳. احساس تعهد، آمادگی دفاع و رفتار براساس ماهیت، محتوا، ابعاد، عناصر، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های هویت ملی. لایه‌ای که افراد بر اساس شناخت و احساس تعلق که نسبت به آن دارند حاضر باشند در مقابل هرگونه تاخت و تاز و حمله از خود عکس‌العمل نشان بدهند و از موجودیت آن در مقابل غیر، دفاع نمایند و در سطحی دیگر رفتار و کنش‌های خود را بر اساس آن تنظیم کنند.

این سه لایه در یک ترکیب مرتبط و هم‌پیوندی، بسته هویتی فرد را در سطح کلان تشکیل می‌دهد و سپس افراد سایر هویت‌های جزئی و خرد یا موضوعی را با آن همساز یا هماهنگ نمایند. لایه‌های هویت به مانند چرخ دنده‌های درهم تنیده عمل می‌کنند؛ یعنی هرچه شناخت بیشتر و بالاتر باشد، امکان نگرش مثبت و احساس تعلق عاطفی نسبت به بسته شناخته شده هویتی بیشتر می‌گردد و احساس تعلق و عاطفه امکان الگوگیری رفتاری و احساس تعهد و آمادگی برای عمل را برای حاملان آن فراهم می‌نماید و در ادامه این روند رفتارهای تکرار شونده در بافت هویتی، دامنه شناخت را متکامل و انباشته می‌نماید و منجر به پایداری هویت فردی و جمعی در یک جامعه می‌گردد.



بسته‌های هویتی ملت‌ها و افراد در گذر زمان ممکن است دچار تحول یا کاستی‌هایی گردد؛ از این‌رو بسته‌های هویتی در طول زمان نیاز به مراقبت، تحکیم و تقویت دارند؛ به این مفهوم که مانند هر موضوع کلان اجتماعی، هویت جمعی نیز نیازمند متولیان و دست‌اندرکارانی در نظام اجتماعی است که در گذر زمان آن را بارور و به نسل‌های بعدی منتقل نمایند.

بر اساس روندهای جاری در هر جامعه‌ای، نهادهای تربیتی و فرهنگی و مذهبی اولین و مهم‌ترین متولیان هویت محسوب می‌شوند اما زمانی که هویت قالب ملی و فراگیر به خود می‌گیرد، دیگر نمی‌توان مرز نهادی برای آن قائل شد. به عبارت دیگر، همه مخاطب و مسئول هستند. بر همین قاعده است که می‌توان وظایف و مسئولیت‌هایی را در این حوزه برای نهادها و گروه‌های خودجوش و مردمی که ماهیت داوطلبی و غیرانتفاعی دارند، قائل شد.

بسیج در کنار بسیاری از نهادهای فراگیر اجتماعی یکی از مخاطبان اصلی حفاظت، حراست و پاسداشت هویت ملی است و برای انجام بهینه مأموریت‌ها و وظایف اجتماعی فراگیر خود نیز نیازمند بهره‌گیری از بسته‌های هویت جمعی است؛ بر همین اساس تحکیم و تقویت لایه‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ای است که بسیج برای تعامل معنی‌دار با هویت ملی در پیش دارد. نتایج این بررسی، نحوه تعامل و فعالیت بسیج در این حوزه را در ابعاد زیر به دست می‌دهد:

۱. هویت ملی به عنوان موضوعی اساسی در نسبت با مأموریت و رسالت بسیج را می‌توان با سه بُعد «اسلامی، ایرانی و انقلابی» بازخوانی کرد.



۲. با شناختی که از عناصر و مؤلفه‌های اصلی هویت ملی در ابعاد فوق به دست آمد، به طور متوسط برای هر بُعد ۱۷ گزاره و در مجموع ۳۴ گزاره علمی و ۱۴ متغیر اساسی برای نقش‌آفرینی بسیج در تحکیم و تقویت هویت ملی (با ابعاد سه‌گانه) که با روش دلفی اجرا شد، نتایج به دست آمده نشان داد در ایفای نقش‌های مورد انتظار بسیج، در کنار توجه عوامل و اقدامات به صورت ترکیبی و مجموعه‌فعالیتی، به طور خاص می‌توان بر برخی فعالیت‌ها و اقدامات متناسب با ابعاد سه‌گانه هویت ملی تأکید کرد.

جدول (۴) نتایج مقایسه‌ای اقدامات بسیج در تحکیم هویت ملی برای سه بُعد هویت ملی

مؤلفه‌های نقش‌آفرینی بسیج	بُعد اسلامی	بُعد ایرانی	بُعد انقلابی
زمان مناسب اقدام در گروه سنی	تأکید بر دوران جوانی و گروه جوانان	تأکید بر دوران کودکی و نوجوانان	تأکید بر دوران نوجوانی و جوانان
اقشار مناسب برای اجرای نقش	تأکید بر قشر دانش‌آموزی	تأکید بر قشر دانشجویی و طلاب	تأکید بر قشر دانش‌آموزی و دانشجویی
محدودیت‌های پیش روی نقش‌آفرینی بسیج	- غلبه وجهه نظامی و محدودیت عضویت و فعالیت - عدم اعتقاد مدیران - کمبود منابع	- محدودیت عضویت و فعالیت - عدم اعتقاد مدیران - غلبه وجهه نظامی - کمبود منابع	- محدودیت عضویت و فعالیت - کمبود منابع - غلبه وجهه نظامی - عدم اعتقاد مدیران
بسترهای نقش‌آفرینی	تأکید بر مدارس، مساجد و هیئات مذهبی	تأکید بر مساجد و هیئات مذهبی، دانشگاه‌ها	تأکید بر مساجد و هیئات مذهبی، دانشگاه‌ها
عملکرد بسیج در نسبت با دیگران	عملکرد نسبتاً متوسط	عملکرد متوسط و کم ارتباط	عملکرد مستقیم و زیاد
نتایج مورد انتظار از نقش‌آفرینی	تأکید بر انسجام ملی، انسجام دینی	تأکید بر انسجام ملی	تأکید بر انسجام ملی، انسجام دینی
اقدامات مؤثر بسیج	تأکید بر: آموزش و آگاهی‌بخشی - همکاری با دیگر نهادها	تأکید بر: آموزش و آگاهی‌بخشی - فعالیت‌های عملی	تأکید بر آموزش و آگاهی‌بخشی
اولویت‌های بسیج در اقدام	۱. افزایش شناخت و آگاهی ۲. تقویت احساس و عاطفه ۳. تقویت تعهد و رفتار	۱. افزایش شناخت و آگاهی ۲. تقویت احساس و عاطفه ۳. تقویت تعهد و رفتار	۱. افزایش شناخت و آگاهی ۲. تقویت تعهد و رفتار ۳. تقویت احساس و عاطفه



مؤلفه‌های نقش آفرینی بسیج	بُعد اسلامی	بُعد ایرانی	بُعد انقلابی
مزیت‌های بسیج	تأکید بر مزیت‌های: - پراکندگی و گسترده‌گی بسیج - مخاطبان جوان	تأکید بر مزیت‌های: - پراکندگی و گسترده‌گی بسیج - مخاطبان جوان	تأکید بر مزیت‌های: - پراکندگی و گسترده‌گی بسیج - ماهیت انقلابی
موانع هویت‌یابی	تهاجم فرهنگی ضعف نهادها ضعف مدیریت فرقه‌گرایی	ضعف نهادها ضعف مدیریت تهاجم فرهنگی فرقه‌گرایی	ضعف نهادها ضعف مدیریت تهاجم فرهنگی فرقه‌گرایی
عوامل فعال در هویت‌سازی	تأکید بر مدرسه، رسانه‌ها و مطبوعات	تأکید بر مدرسه، رسانه‌ها، مطبوعات و NGOهای خودجوش	تأکید بر مدرسه، رسانه‌ها و مطبوعات
حرکت‌های هویت‌ساز بسیج	تأکید بر: - جهاد علمی - کمک به استکبارستیزی	با تأکید بر: - جهاد علمی - کمک به ایجاد امنیت	تأکید بر: - کمک به ایجاد امنیت - جهاد علمی

مطابق رویکرد جامعه‌شناسی، تعبیر و تفسیرهای رایج آن، بسیج یک فضای کنش متقابل نمادین و عرصه‌ای از روابط اجتماعی است که امکان دستیابی به هویت ملی را برای جوانان فراهم کرده است. فضایی از کنش اجتماعی که جوان ایرانی ضمن آگاهی از گذشته خود و پاسخ به کیستی خود، تصویری جمعی از آنچه می‌خواهد و مطلوب اوست، به دست می‌آورد. خود را در آیین دیگران به تصویر می‌کشد و آمادگی کنش‌های جمعی معطوف به آرمان‌های اجتماعی را به دست می‌آورد.

مطابق رویکرد روانشناسی، بسیج از آن جهت که باعث شده است فرد در یک فرایند روانی، خود را به عنوان فردی ممتاز، موفق، دارای تشخص و سرشناس با گروهی نسبتاً سرشناس مرتبط و خویشتن را با آن همساز کند و با آن بشناساند و به یک احساس نسبتاً پایدار از خود دست یابد، به تکوین هویت فردی و جمعی کمک کرده است.

و مطابق رویکرد دینی، بسیج به عنوان یک تشکلی برآمده از یک انقلاب دینی و ایدئولوژیک که بر فطرت الهی انسانی استوار است و در صدد احیای هویت اصیل اسلامی و آزادگی نوع بشر برآمده است. رویکردی که مطابق آن ارتباط انسان اجتماعی را با منشأ و ریشه خلقت (توحید) و غایت (معاد) برقرار نموده و انسان را در تلاش برای رستگاری فردی و آبادگری اجتماعی بر محور شریعت مسئول و مختار می‌داند؛ لذا بسیج به عنوان یک تشکل انقلابی پیشرو، موقعیتی را برای فرد مهیا می‌کند که ضمن



ارتباط با گذشته خود، در کنار دیگران انتظارات و توقعات معطوف به آینده را به ظهور برساند. بسیج به عنوان تجلیگاه هیجان، نشاط و شادابی امکان رفتار و عمل متعهدانه و متعهدانه را برای جوانان و نوجوانان بدون عبور از تعلق دینی و ملی در بستر زندگی اجتماعی و گروهی فراهم می‌نماید.

راهبردها و راهکارها

۱. هویت ملی ایرانی ترکیبی است از: لایه اسلامی (دین اسلام، مذهب تشیع و ارزش‌های اسلامی)، لایه ایرانی (فرهنگ، تاریخ، سرزمین و تمدن ایران باستان و قدیم)، لایه قومی (نژاد، اقوام، قبایل و طوایف ایرانی) و لایه جدید (ارزش‌ها و نمادهای فرهنگ سایر ملل) که در سرزمین ایران امکان همسازی و هم‌پیوندی را یافته است. همچنین بر اساس نتایج این تحقیق، بالاترین امکان همسانی و همسازی با میانگین رتبه ۶،۱۶ برای عناصر «آینده‌نگری و آرمان‌خواهی» و همچنین «ارزش‌های اخلاق و انسانی» حتی با وجود «زبان و نژاد» متفاوت می‌باشد. این مسئله به عنوان نقطه قوت هویت ملی می‌تواند مورد اهتمام و تمرکز بسیج قرار گرفته و با تبیین و ترویج عوامل آن در بستر بسیج، بسیج همه‌جانبه و فراگیر را با مزیت‌ها و خاستگاه‌های مشترک در حوزه سرزمینی ایران بیش از پیش بارور نماید؛ لذا حفظ برجستگی و غنای لایه دینی و اسلامی هویت ملی در کنار تقویت سایر لایه‌های هویتی، می‌تواند بسیج را با انگیزه‌های دینی و ملی به سازمانی اجتماعی و فراگیر تبدیل کند که در تمامی عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، امنیتی، علمی، سازندگی و اقتصادی پیشتاز باشد و خاستگاه تمام اقشار و گروه‌های اجتماعی قرار بگیرد.

۲. پایداری احساس تعلق، عاطفه، تعهد و آمادگی دفاع (رفتار) به عنوان محصول اجتماعی هویت، مستلزم استوارسازی آن بر آگاهی و شناخت نسبت به ابعاد، عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی می‌باشد؛ لذا بر خلاف روند کنونی (مبتنی بر نتایج تحقیق) بسیج باید در درجه اول به شکل‌گیری شناخت و آگاهی از دامنه هویت ملی بپردازد. بسیج به عنوان یک گروه میانجی و واسطه هویت‌یابی فرد و جامعه فراگیر، می‌تواند در ارزیابی متناسب از گذشته، حال و آینده این شناخت را به عنوان پایه هویت‌یابی مورد اهتمام قرار دهد و به این فرایند بنیادین در موضوع هویت ملی برسد.

تعهد و رفتار > احساس تعلق و عاطفه > آگاهی و شناخت = فرایند آتی

بر همین اساس بسیج باید: قبل از هر حرکت سازمانی ترکیب ابعاد، عناصر، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های هویت ملی از هر نوعی که باشد (اعم از اسلامی، ایرانی، قومی و قبیله‌ای،



سایر ملل و...) به درستی شناخته، گذشته، حال و آینده این موارد را به درستی درک نماید تا بتواند بر اساس آن، احساسات و رفتارهای نسل جوان را مدیریت نموده و در موارد ضروری مورد بهره‌برداری قرار دهد. حتی اگر در کوتاه‌مدت امکان توسعه شناخت برای بسیج فراهم نباشد و ناچار باشد یک حرکت جمعی را از رفتار شروع کند؛ باید فرایندی را پیش‌بینی کند که محتوای برنامه و رفتار توسط گروهی از خبرگان موضوعی طراحی و ارائه شود. مثلاً اگر یک مانور شهری برای تقویت روحیه دفاعی شهروندان تدارک دیده می‌شود، نباید به گونه‌ای باشد که به سایر لایه‌های هویتی تعرض یا بی‌احترامی صورت بگیرد یا به نمادهای تاریخی آسیب برسد که گروهی بخواهند از آن سوء برداشت نمایند و به بسیج حمله کنند. مقطع سنی مناسب برای این اقدام به تفکیک سه بُعد هویتی اینگونه می‌باشد: فرایند سنی دوران «کودکی» برای هویت‌یابی ایرانی، نوجوانی برای هویت‌یابی انقلابی و جوانی برای هویت‌یابی اسلامی».

۳. تأکید و تمرکز بر گروه دانشجویان و دانش‌آموزان در فرایند تحکیم و تقویت هویت ملی مناسب‌ترین کانال اقدام برای هویت‌یابی در درون سازمان بسیج محسوب می‌شود. اقشار و گروه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی و طلاب با توجه به تعاملاتی که با قشر بالادستی خود یعنی فرهنگیان، استادان و روحانیون دارند، می‌توانند همسازی درونی عناصر هویت ملی را به‌خوبی تسهیل و فراهم نمایند.

۴. بسیج با فعالیت در عرصه هویت ملی ضمن آنکه می‌تواند پشتوانه قوی از ترکیب هویت‌ها برای تحقق چشم‌انداز، رسالت و مأموریت‌های سازمان خود فراهم نماید. می‌تواند رسالت اجتماعی و عام خود را در ساماندهی اجتماعی، پیشرفت و تعالی بر مبنای هویت ملی استوار نماید و به مواردی از قبیل: انسجام ملی، انسجام دینی، انسجام اقوام، شادی و نشاط، توسعه اقتصادی، امنیت و آسایش بیش از پیش اهتمام نماید. این مزیت نسبی در اختیار بسیج می‌تواند بسیج هویت‌ها و هویت بسیجی را در تمامی عرصه‌های ملی ایجاد نماید.

۵. بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی در اختیار بسیج برای تحکیم هویت ملی که به ترتیب اهمیت و اولویت عبارتند از: پراکندگی و گستردگی بسیج، مخاطبان جوان، ماهیت انقلابی، فراقومی بودن، سابقه و عملکرد گذشته.

۶. بازسازی عملکرد بسیج در زمینه بُعد ایرانی هویت ملی و تلاش برای اصلاح ارزیابی‌های به عمل آمده به‌خصوص در عناصر و گزاره‌های «موسیقی و نغمه‌های ایرانی، هنر و معماری ایرانی، شیوه تولید و اقتصاد ایرانی، دولت و حکمرانی ایرانی» و توجه به این عناصر در فعالیت و اقدامات و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی خود.

۱ پر واضح است که تأکید بر کودکی در هویت‌یابی ایرانی نوعی تأکید بر خانواده و گروه خویشاوندی در هویت‌یابی است.



۷. تلاش برای کاهش محدودیت و تنگناهای موجود درون سازمان بسیج در عرصه هویت ملی، شامل رفع محدودیت عضویت و فعالیت، رفع کمبود منابع مالی و پشتیبانی، کاهش وجهه نظامی در امور و فعالیت‌ها و ارزیابی‌ها، تقویت اعتقاد مدیران برای فعالیت در حوزه هویت ملی.

۸. تلاش برای رفع موانع هویت‌یابی نسل جوان در جامعه و در سطح ملی، شامل اولویت‌های مقابله با ضعف نهادها، ضعف مدیریت، تهاجم فرهنگی غرب، فرقه‌گرایی، با فعالیت‌هایی از جمله آگاهی‌بخشی عمومی و همکاری با سایر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی.

۸. احیا و تبیین حرکت‌ها و فعالیت‌های هویت‌ساز بسیج که در کارنامه و عملکرد بسیج به خوبی درخشان است، شامل جهاد علمی، فرایندهای امنیت‌ساز و استکبارستیز بسیج، دفاع مقدس، حرکت‌های جهادی و سازندگی بسیج در عرصه‌های اجتماعی.

۹. تلاش برای توسعه زیرساخت‌ها، مهم‌ترین بسترها و عوامل هویت‌ساز در اختیار بسیج از جمله مدارس، رسانه‌ها و مطبوعات، مساجد و هیئات مذهبی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی، NGOهای خودجوش، خانواده‌ها و والدین.

۱۰. و در نهایت آنکه بسیج زمانی می‌تواند امیدوار به ایفای نقش مؤثر در تحکیم هویت ملی باشد که در تمام سطوح مدیریتی، ارکان و اقشار و نیروها، هویت ملی تبدیل به مسئله بسیج بشود. مسئله‌ای که بتواند بستری برای بهسازی تعاملات و عملکرد در داخل بسیج برای هویت ملی باشد که هم کارکرد سازمانی داشته باشد (بهره‌برداری از غنای هویت ملی در انجام رسالت و مأموریت‌های بسیج و شکل‌گیری بسیج هویت‌ها) و هم موجب همسازی و هماهنگی عناصر هویت ملی برای کاهش بحران‌ها، برقراری امنیت و آرامش اجتماعی، توسعه سرمایه اجتماعی و هموارسازی مسیر پیشرفت و تعالی کشور و ایران اسلامی گردد.

۱۱. تلاش و اقدام مناسب برای تعیین جایگاه بسیج در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و آینده تمدن اسلامی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های در اختیار بسیج می‌تواند در نقش‌آفرینی بسیج در هویت‌سازی در آینده بسیار مؤثر باشد.

۱۲. آینده‌نگری برای حضور ده‌ها میلیونی بسیج در فرایند تحول اجتماعی و مراحل مختلف تمدن‌سازی، نیازمند تقویت فعالیت‌های هویت‌ساز برای بسیجیان و باروری هویت ملی نسل جوان کنونی می‌باشد که در بستر آن بتوانند به تحقق آرمان‌ها و اهداف ملی کمک نمایند.

۱۳. راه‌اندازی گروه‌های نظارتی و کنترلی با عنوان دیدبان هویت ملی در رده‌ها و



تشکل‌های مرتبط با بسیج. همچنین قرار دادن مباحث مربوط به هویت ملی در متون و کارگاه‌های آموزشی می‌تواند به فرایند تقویت هویت ملی از کانال بسیج کمک نماید. ۱۴. راه‌اندازی تشکل‌های جدید و تقویت رده‌ها و واحدهای اردویی و گردشگری موجود در بسیج می‌تواند میزان آشنایی و احساس تعلق به هویت ملی را افزایش داده و زمینه‌های اقدام و رفتار بر اساس هویت ملی را برای آینده و در راستای اهداف ملی در گروه جوانان و نوجوانان نهادینه نماید. گستره جغرافیایی و تنوع قشری، بسیج فرایند نقش‌آفرینی او را در این عرصه محقق می‌نماید.

۱۵. فرهنگ و تفکر بسیج یکی از غنی‌ترین حوزه‌های نظری برخاسته از متن انقلاب اسلامی است که می‌توان بر اساس آن ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشترک هویت ایرانی، اسلامی، انقلابی و حتی قومی و محلی را تبیین کرد و از دل آن هویتی مشترک و همسان برای مخاطبان بسیج بر ساخت نمود. رده‌های اندیشه‌ورز و فرهنگی بسیج در حوزه هویت‌سازی می‌توانند نقش فعالی داشته باشند و با انجام فعالیت‌های علمی - پژوهشی این موضوع را تبیین کنند.

منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی
۲. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲)؛ صحیفه نور، جلد‌های ۱۷، ۱۳، ۱۰، ۱۶، ۱۵، ۸، ۷، ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۳. امام خمینی، سید روح‌الله، پیام استقامت، ۳۰/۴/۱۳۶۷
۴. امام‌خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در تاریخ‌های ۱۳۸۴/۵/۲۸ و ۱۳۹۰/۹/۶ و ۱۳۹۰/۷/۱۳ و ۱۳۹۰/۹/۵ و ۷۸/۶/۱۰ و ۹۰/۱۱/۱۰ و ۹۰/۷/۲۵
۵. ابویی مهریزی، بهروز (۱۳۷۲)؛ اندیشه سیاسی اقبال لاهوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران
۶. آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰)؛ مدرنیته ایرانی، پارادایم‌های روشنفکری در ایران، تهران، انتشارات اجتماع
۷. بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶)؛ چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۸. پرجمی، داوود (۱۳۹۳)؛ مصاحبه و گفتگو در خصوص جامعه‌شناسی حج، خبرگزاری مهر، سرویس اجتماعی آفتاب ری، پانزدهم، مهرماه
۹. تبیان (بی‌تا)؛ آزادی در اندیشه امام خمینی (دفتر ۲۷ و ۳۲)؛ تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۰. معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان بسیج (۱۳۸۴)؛ ترنم نور، گزیده بیانات حضرت امام و آیت‌الله خامنه‌ای، تهران، اندیشه کامیاب



۱۱. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹): تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، تهران
۱۲. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، شیرازه
۱۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳): انقلاب اسلامی، چرایی و چگونگی رخداد آن، قم، نشر معارف
۱۴. دانشگاه امام صادق (ع) (۱۳۸۹): خلاصه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۱۵. دوران، بهزاد (۱۳۸۳): گفتمان‌های هویت در ایران با تأکید بر هویت ملی و دینی، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت
۱۶. رایش، مایکل (۱۳۸۷): جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت
۱۷. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۳): بحران هویت در ایران و پیامدهای آن، مجموعه مقالات نخستین همایش هویت ایرانی، تهران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۸. عبدالملکی، هادی (۱۳۹۱): تجلی هویت عاشورایی در دفاع همه‌جانبه، مجموعه مقالات دفاع ملی دفاع همه‌جانبه، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی
۱۹. عبدالملکی، هادی (۱۳۹۲): بررسی نقش بسیج در تحکیم هویت ملی، گزارش نهایی تحقیق، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج
۲۰. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳): مبانی نظری هویت و بحران هویت، تهران، مرکز مطالعات جوانان و مناسبات نسلی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
۲۱. فوکو، میشل (۱۳۷۹): ایران روح یک جان بی‌روح، نقل از رضا رمضان نرگسی، با عنوان «دغدغه‌های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران، سایت تبیان
۲۲. قنبری، علی (۱۳۸۲): فراتحلیل پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۳. گل محمدی، احمد (۱۳۸۰): جهانی شدن و بحران هویت، تهران، نشریه مطالعات ملی، شماره ۱۰
۲۴. کچویان (۱۳۹۳): مقاله دکتر کچویان با عنوان عده‌ای زیر پوشش هویت ایرانی، هویت غربی را مطرح می‌کنند
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱): حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا
۲۶. مختاری، مجید (۱۳۸۳): الگوی وحدت اسلامی از دیدگاه مصلحان دینی معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
۲۷. ملایی، حسن (۱۳۸۸): بررسی رسالت و راهبردهای فرهنگی-تربیتی دولت زمینه‌ساز، مجموعه مقالات دکتربین‌مهدویت، قم، مؤسسه آینده روشن
۲۸. نشریه منادیان وحدت (۱۳۸۶): «محمد اقبال لاهوری و بازیابی شخصیت جهان اسلام»، ویژه‌نامه سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی



۲۹. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹): نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه

هادی جلیلی، تهران، نشر نی

30. Bourk, peter(1991):IdentityProcesseandSocialStress.American Sociological review,vol 50

31. Burr,V.(1995):An Introduction to Social Constructionism. london:Sage

32. <http://ejtemaee.ir>